

توان‌مندی نوجوانان

واحد ۱

نسخهٔ پیش از چاپ

در دست تهیه

نسخهٔ ۶.۳.۱.PP

۲۹ ژوئن ۲۰۱۲

۹ تیر ۱۹۳۱



مؤسسهٔ روحی

Copyright © 2006 by the Ruhi Foundation, Colombia
All rights reserved. Version 6.3.1.PP June 2012

Ruhi Institute
Apartado Postal: 402032
Cali, Colombia
Tel: 57 2 828-2599
Email: instituto@ruhi.org
Web site: www.ruhi.org

حق چاپ © ۲۰۰۶ بنیاد روحی، کولومبیا
تمام حقوق محفوظ است. نسخهٔ ۶.۳.۱.PP ژوئن ۲۰۱۲

مؤسسهٔ روحی
کالی، کولومبیا
تلفن: ۵۷ ۲ ۸۲۸ ۲۵۹۹
ایمیل: instituto@ruhi.org
وب سایت: www.ruhi.org

مؤسسه روحی یک نهاد آموزشی است که تحت نظارت و هدایت محفل روحانی ملی بهائیان کلمبیا فعالیت می‌کند. هدفش توسعه منابعی انسانی است که خود را وقف ترقی روحانی، اجتماعی و فرهنگی مردم کلمبیا نمایند. در طول چند دهه، مطالب این مؤسسه به نحو فزاینده‌ای مورد استفاده‌ی جوامع ملی بهائی در جمیع نقاط دنیا قرار گرفته است.

رویکردی که مؤسسه روحی برای تهیه موادّ درسی دنبال می‌کند با یک رویکرد سنتی طرح‌ریزی، آزمایش در عمل، و ارزیابی موادّ درسی که یکی بعد از دیگری و به صورت یک بُعدی انجام می‌شود به نحو قابل ملاحظه‌ای متفاوت است، بدین صورت که اولین قدم برای نوشتن هر مجموعه از موادّ درسی وقتی برداشته می‌شود که تجربه‌ای در سطح مردمی از طریق انجام خدمتی در پاسخ به نیازهای توسعه‌ای یک جامعه به دست آمده است. موادّ درسی از این تجربه نشئت می‌گیرد و تبلوری از آن تجربه می‌گردد. این موادّ از یک سو شرحی است از آن یادگیری که در اثر به کار گرفتن تعالیم الهی در یک میدان خاصّ خدمت حاصل شده، و از سوی دیگر وسیله‌ای است برای روش‌مند کردن آن یادگیری. این رویکرد در جزوه کوچکی تحت عنوان "یادگیری در باره رشد" به نحو زیر توصیف شده است:

وقتی که یک نیاز آموزشی مشخص شد، گروه کوچکی متشکل از آحاد مردم، با یک‌دیگر مشورت می‌کنند، یک سلسله نظرات برای اقدامات آموزشی تهیه می‌نمایند و آنها را به مرحله عمل در می‌آورند. نتایج حاصله مورد بازنگری و ارزیابی قرار گرفته و در باره آنها مشورت می‌شود. در پرتو این مشورت یک سلسله اقدامات آموزشی تعدیل شده به اجرا گذاشته می‌شود، و بازنگری مجدد آنها منجر به تعدیل و تصحیح بیشتری می‌گردد. در این فرایند تهیه موادّ درسی، هیچگاه اقدام موکول به تهیه و ارزیابی نهایی موادّ درسی نمی‌شود. اقدامات آموزشی در هر مرحله با بهترین موادّی که در دست است پیش می‌رود، با این ایمان قطعی که فقط از طریق عمل و بازنگری - که هر دو در پرتو ظهور حضرت بهاءالله انجام می‌شود - موادّ درسی مناسب‌تری می‌تواند به تدریج تکامل یابد. اما این ترتیب فقط برای آن نیست که چند نفر موادّی برای استفاده خودشان بوجود آورند؛ دیر یا زود لازم می‌شود که ساختار و محتوای هر واحد به صورت نهائی در آید تا با اطمینان بتواند مورد استفاده دیگران قرار گیرد. تصمیم در مورد نشر نسخه نهائی موادّ برای یک دوره مورد نظر، وقتی گرفته می‌شود که مشاهده می‌گردد که دیگر تعدیلات لازمه بسیار جزئی و قابل اغماض است. نکته مهمی که باید به آن توجه داشت این است که جنبه‌های مختلف این فرایند مشورت، اقدام و بازنگری، به موازات هم پیش می‌روند، و به صورت سلسله‌ای متوالی، که در اصل ترتیبی تصنعی خواهد بود، اجرا نمی‌شوند.

در عمل رویکرد فوق، بسته به ماهیت مواد در دست تهیه، شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرد. اما بطور کلی سه مرحله را می‌توان در فرایند تهیه شناسائی نمود که به آنچه نسخه منتشره نهائی خوانده می‌شود می‌انجامد:

۱- طرح مقدماتی

در این مرحله، یک دوره اندکی بیش از مفاهیم اصلی و مجموعه بیاناتی از آثار بهائی را شامل می‌گردد که به نظر می‌رسد کلاً بتوانند هدف آموزشی مورد نظر را حاصل نمایند. این طرح مقدماتی از نظرات تا مدتی بوسیله گروه‌های کوچکی از افراد در میدان خدمت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲- پیش‌نویس ابتدایی

همچنان که اقدام پیش می‌رود، مواد درسی اصلاح می‌شود و شروع به منعکس نمودن تجربیات حاصله می‌نماید، و نظراتی را که از تجربه منبعث گردیده در خود ادغام می‌کند. بعضی از مفاهیم به کرات تعدیل می‌شود، قسمت‌های جدیدی از آثار بهائی اضافه می‌گردد، یا یک سلسله تمرینات ساده ارائه می‌شود تا درک یک موضوع را آسان‌تر نماید یا به ایجاد یک مهارت یا گرایش مهم کمک کند. در اثر این فرایند مداوم اقدام و تأمل، عناصر متفاوت و ناهمگون تدریجاً در دوره درسی مشخص که حول سلسله نظریاتی تدوین شده که به طور طبیعی در میدان خدمت به منصفه ظهور رسیده است، استحکام و انسجام می‌یابد. این عموماً به عنوان پیش‌نویس ابتدایی تلقی می‌گردد.

۳- نسخه پیش از انتشار

سرانجام، یک نسخه ابتدائی آماده می‌گردد و به عنوان نسخه پیش از انتشار بطور گسترده‌تری در دسترس افراد قرار گیرد. از طریق استفاده مداوم آن واضح می‌شود که در کجا لازم است جای یک بخش عوض شود یا یک تمرین به نوع دیگری نوشته شود. ممکن است چندین نسخه پیاپی تهیه شود. اما به تدریج برای رسیدن به منظور دلخواه، تعدیل و تصحیح کمتری مورد نیاز خواهد بود و در این مرحله مواد درسی برای طبع و انتشار فرستاده می‌شود.

مؤسسه روحی خوشوقت است که یکی از این واحدهائی را که به مرحله قبل از انتشار رسیده است، در اختیار سازمان‌ها و مؤسسات برگزیده قرار دهد. این اولین واحد از سه واحد کتابی است که در حال حاضر تحت عنوان توانمندی نوجوانان در دست تدوین است. امیدواریم که فراهم آوردن این واحد در این مرحله به نفوسی که علاقمندند در زمینه تأسیس گروه‌های نوجوانان تلاش کنند، کمک نماید؛ نوجوانان جزئی از جامعه هستند که برای

توفیقات آینده بشریت بسیار اهمیت دارند. امید چنان است که چون در اثر استفاده از این واحد به کسب تجربیاتی نائل می‌آیید، نظریات خود را در مورد محتوای درس جهت استفاده مؤسسه روحی برای ما ارسال دارید. گسترش تجربیات، که از این طریق در فرایند تدوین برنامه آموزشی دخالت داده می‌شود، بی‌گمان مطالب را از غنای بیشتر برخوردار کرده اثربخشی آنها را فزونی خواهد داد.

مؤسسه روحی

بخش اول

دوران بین ۱۲ تا ۱۵ سالگی مبین زمانی خاصی از زندگی فرد است، زیرا در طی این سالها است که کودکی را پشت سر می‌گذارد و دستخوش تغییرات عمیقی می‌شود. به افراد در این گسترهٔ سنی، که هنوز به طور کامل به جوانی نرسیده‌اند، غالباً نوجوان اطلاق می‌شود. وارد ساختن نوجوانان در برنامه‌هایی که مقصود از آن تقویت قابلیت‌های روحانی و فکری و آماده ساختن آنها برای شرکت مؤثر در امور جامعه است، از جمله اقدامات بسیار مهم تلقی می‌شود. سه واحد این کتاب بر بعضی از مفاهیم، مهارت‌ها، صفات، و نگرش‌هایی متمرکز است که به تجربه ثابت شده نفوسی که مشتاق اجرای چنین برنامه‌ای هستند به آن نیاز دارند.

مجموعه فعالیت‌های توصیه شده توسط مؤسسهٔ روحی عموماً در گروه‌های کوچک در سطح محلی اجرا می‌شود. چندین نوجوان که در مدت زمانی نسبتاً کوتاه به سن ۱۵، یعنی آستانهٔ بلوغ، می‌رسند تا مسئولیت‌های جدیدی را به عهده بگیرند، به شما که در مقام کسی هستید که مساعی گروه را مورد تشویق و ترغیب قرار می‌دهد، به عنوان مشاور و استاد نگاه می‌کنند. در این واحد اول، نقطهٔ توجه ما زیاد به خصوصیات نوجوانی نیست، بلکه به نمونهٔ جوانانی توجه داریم که، بنا به آثار مبارکه، نوجوانان باید سعی کنند به آن صورت و حالت واصل شوند. آنچه که در اثر زیارت آثار مبارکه باید روشن شود این است که بعضی از خصوصیات باید در جمیع نسل‌های جوانان به نحو بارز و متمایز ظاهر شود و قوای خاصی است که باید زندگی آنها را شکل دهد. البته، کاملاً امکان دارد که خود شما جوانی باشید که در اواخر دومین دههٔ زندگی و آغاز دههٔ سوم باشید، که در این صورت مطالبی که در این واحد از کتاب عرضه می‌شود به شما فرصتی خواهد داد تا اهداف و اولویت‌های خود را نیز مورد بررسی قرار دهید.

در آغاز امر، تفکر شما در خصوص اعضاء گروه نوجوانان که به زودی با آنها شروع به کار خواهید کرد، مفید و ارزشمند خواهد بود. سعی کنید بعضی از ویژگی‌هایی را توصیف کنید که مایل هستید آنها در پانزده سالگی، در موقع اتمام دورهٔ سه‌ساله‌ای که برای توان دهی روحانی آنها به عهده خواهید گرفت، از آن برخوردار گردند. تمرین زیر به شما کمک خواهد کرد بعضی از نتایجی را که امیدوارید با این گروه حاصل کنید، برای خود روشن سازید.

۱- آیا جوانی که در نظر مجسم می‌کنید، در موقع اتمام برنامه با یک حس عالی هدفمندی از دیگران متمایز خواهد بود؟ این هدف از نظر آنها چه خواهد بود؟

۲- بخش عمده قوای خود را روی چه چیز متمرکز می سازند؟

۳- چه عاملی آنها را برخواهد انگیزت تا برای وصول به اهدافشان تلاش کنند؟

۴- آیا آنها از شرایط موجود جهان راضی و خشنود خواهند بود؟ اگر جواب منفی است، به نظر آنها چه چیزی باید تغییر یابد؟ آیا آنها احساس خواهند کرد که از توانمندی لازم برای مشارکت در چنین تغییری برخوردارند؟

۵- عبارات زیر نگرش نسبت به یادگیری را منعکس می سازد. جوانانی که شما مد نظر دارید، درموقع اتمام دوره، تا چه حد از گرایش هائی که در هر یک از عبارات زیر ذکر می شود برخوردارند؟ جواب ها عبارتند از: بسیار زیاد؛ تاحدی؛ اندکی؛ ابداً

الف- آنها سعی خواهند بود و سعی خواهند کرد آنچه را که یاد می گیرند به مورد اجرا گذارند.

ب- آنها عادت خواهند کرد در نتایج اقدامات خود تأمل نمایند

ج- آنها در یادگیری از ذهنی باز و نگرشی توأم با فروتنی برخوردار خواهند بود.

د- آنها میلی شدید به پرورش قوای روحانی خود خواهند داشت.

ه- آنها اشتیاق تام خواهند داشت که در زمینه یادگیری، طریق کمال را بیمایند.

و- در مورد تحصیل علوم و فنون شور و شوق فراوان خواهند داشت.

ز- آنها در زمینه مطالعات امری اشتیاق زیادی خواهند داشت.

ح- آنها به فراگیری نحوه تبلیغ امرالله ابراز دلبستگی شدید خواهند نمود.

- ط- آنها برای موفقیت‌های علمی و دانشگاهی اهمیت زیادی قائل خواهند شد. _____
- ی- آنها عقایدی را که مردم عموماً دارند به عنوان حقیقت خواهند پذیرفت. _____
- ک- آنها به همان اندازه‌ای که از یادگیری نحوهٔ هدایت رشد فکری و روحانی خود به عنوان فرد لذت خواهند برد، از یادگیری نحوهٔ فعالیت برای پیشرفت عالم انسانی نیز مسرور خواهند گشت. _____
- ۶- کدام یک از عبارات زیر توصیف کنندهٔ طریق سلوک جوانانی است که شما مد نظر دارید؟ علامت بزنید.

- _____ آنها سعی خواهند کرد منطبق با معیارهای تعیین شده در آثار مبارکه زندگی کنند.
- _____ معیارهای آنها کم و بیش همان موازینی است که عموم جوانان برای خود اتخاذ می‌کنند.
- _____ آنها در جامعهٔ بهائی در جستجوی معیارهایی خواهند بود که حاکم بر زندگی آنها باشد.
- _____ آنها تلاش خواهند کرد منطبق با معیارهای امر مبارک بر معضلات زندگی فائق آیند.
- _____ آنها، وقتی که قیام کنند، تناقضات بین عقاید و اعمال خود را تشخیص خواهند داد.
- _____ آنها به اصول امر مبارک ایمان خواهند داشت، اما اعمال آنها هنجارهای پذیرفته شدهٔ جامعه را منعکس خواهد ساخت.

- _____ آنها موازین عالی را کنار خواهند گذاشت تا بین مقتضیات امر مبارک و آنچه که محیط اجتماعی زندگی آنها حکم می‌کند، تعادلی به وجود آورند.

- ۷- ذیلاً چند سؤال مطرح می‌شود که به شما کمک می‌کند در مورد مفاهیم ضمنی زندگی پاک و همراه با تقوی و پرهیزگاری بیندیشید. جوانانی که شما مد نظر دارید تا چه حدی این مفاهیم را درک خواهند کرد؟

- الف- آیا رفتار سبک سرانه‌ای خواهند داشت؟ _____
- ب- آیا به لذت‌های جزئی و نادرست خشنود خواهند بود؟ _____
- ج- آیا لذت دنیوی حواس آنها را به خود جلب خواهد کرد؟ _____
- د- آیا آنها از مدها و گرایش‌های عمومی باب روز حتی وقتی که مخالف موازین عفت و عصمت باشد پیروی خواهند کرد؟ _____
- ه- آیا در نظر آنها پاکی و عصمت فقط عبارت از خودداری از روابط جنسی خارج از دواج است؟ _____
- و- آیا در نحوهٔ لباس پوشیدن اعتدال را رعایت خواهند کرد؟ _____

ز- آیا در نحوه صحبت کردن رعایت اعتدال را خواهند نمود؟

ح- آیا در فعالیت‌هایی که برای سرگرمی در آن شرکت می‌کنند رعایت اعتدال را خواهند داشت؟

ط- آیا با تواضع و فروتنی خود متمایز و ممتاز خواهند بود؟

ی- آیا به علت آزادی از حقد و حسد ممتاز خواهند بود؟

ک- آیا از لحاظ عصمت، برازندگی، و پاک‌اندیشی ممتاز و متمایز خواهند بود؟

ل- در تسلط بر امیال پست خود هشیار و بیدار خواهند بود؟

۸- آیا پس از اتمام دوره، اراده جوانان برای حصول توفیق در موارد زیر به اندازه کافی قوی خواهد بود؟ بین خیلی قوی، نسبتاً قوی، و ضعیف یکی را انتخاب کنید.

الف- مقاومت در مقابل وسوسه‌های نفسانی

ب- غلبه بر مشکلات و معضلات

ج- استقامت در مقابل امتحانات و مشکلات

د- مقاومت در مقابل فشارهایی که آنها را به اقدام برخلاف معیارهای امر مبارک وادار می‌کند

بخش دوم

حال، به بعضی از بیانات مبارکه توجه کنیم و ببینیم که آنها جوانان بهائی را چگونه توصیف می‌کنند.
حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

”ای عزیزان عبدالبهاء ایام زندگانی را فصل ربیع است و جلوه بدیع؛ سنّ جوانی را توانایی است و ایام شباب بهترین اوقات انسانی. لهدا، باید به قوتی رحمانی و نیتی نورانی و تأییدی آسمانی و توفیقی ربّانی شب و روز بکشید تا زینت عالم انسانی گردید و سرحلقه اهل عشق و دانایی؛ و به تنزیه و تقدیس و علو مقاصد و بلندی همّت و عزم شدید و علویّت فطرت و سمو همّت و مقاصد بلند و خلق رحمانی در بین خلق مبعوث گردید و سبب عزّت امرالله شوید؛ مظهر موهبت الله گردید و به موجب وصایا و نصایح

جمال مبارک روحی لاجبائنه الفدا روش و حرکت جوئید و به خصایص اخلاق بهائی ممتاز از سایر احزاب شوئید. عبدالبهاء منتظر آن است که هر یک بیشهٔ کمالات را شیر ژیان شوئید و صحرای فضائل را نافهٔ مُشکبار باشئید.^۱

۱- جملات زیر را با توجه به بیان فوق تکمیل کنئید:

- الف- فصل بهار زندگی انسان از _____ برخوردار است.
- ب- سنّ جوانی دارای خصیصهٔ _____ است.
- ج- ایام شباب _____ انسانی است.
- د- در دوران جوانی باید به _____ و _____ و _____ و _____ شب و روز بکوشئیم تا _____ عالم انسانی شوئیم.
- ه- در دوران جوانی باید شب و روز بکوشئیم تا سر حلقهٔ اهل _____ و _____ گردئیم.
- و- در دوران جوانی باید به _____ و _____ بین خلق مبعوث شوئیم.
- ز- در دوران جوانی باید به _____ مقاصد بین خلق مبعوث گردئیم.
- ح- در دوران جوانی باید به _____ و _____ و _____ فطرت و _____ و بلندی _____ و خُلق _____ در بین خلق مبعوث گردئیم.
- ط- در دوران جوانی باید سبب _____ و _____ الهی شوئیم.
- ی- در دوران جوانی باید به موجب _____ و _____ جمال مبارک حرکت کنئیم.
- ک- حضرت عبدالبهاء مشتاقانه منتظرند که هر یک از جوانان در بیشهٔ _____ مانند _____ شود و در صحرای _____ ، _____ باشد.

۲- احتمالاً شما سخنانی در مورد این عقیدهٔ عامهٔ پسند شنیده‌اید که جوانان باید تفریح داشته باشند، زیرا آنها به زودی با مسائل جدی زندگی روبرو خواهند شد. بدیهی است که این عقیده با بیان حضرت عبدالبهاء که در بالا نقل شد سازگاری ندارد. به نظر شما در کنه این پندارهٔ مردم‌پسند چه فرضیاتی وجود دارد؟ با عده‌ای از دوستان که امروز با آنها مشغول مطالعه هستئید، این موضوع را مورد بحث قرار دهید و استنتاج‌های خود را در اینجا بنویسئید.

بخش سوم

حضرت عبدالبهاء در مناجاتی که نقل می‌شود امیدهای خود را در مورد جوانان بهائی بیان می‌کنند:

”هو الله ای خداوند مهربان این مرغان بی پرو و بال را دو بال ملکوتی بخش و قوتی معنوی عطا فرما تا در این فضای نامتناهی پرواز کنند و به اوج ملکوت ابهی رسند.

”ای پروردگار این نهال‌های بی قوت را قوتی بخش تا هر یک درختی بارور و در نهایت طراوت و لطافت جلوه نمایند. به جنود معنوی نصرت و ظفر بخش تا سپاه جهل و ضلال را در هم شکنند و اعلام محبت و هدی را در بین خلق بلند کنند و مانند نسیم بهاری اشجار وجود انسانی را طراوت و لطافت بخشند و به مثابهٔ باران نیسانی چمن زار آن اقلیم را سبز و خرم کنند. تویی مقتدر و توانا و تویی بخشنده و مهربان. عبدالبهاء عباس“^۲

۱- با توجه به بیان فوق، جملات زیر را کامل کنید:

- الف- حضرت عبدالبهاء کسانی را که در اوایل نوجوانی هستند به مرغان نوبروازی تشبیه می‌کنند که به دو _____ نیاز دارند و از خداوند می‌خواهند که به آنها _____ عطا فرماید تا در این فضای بی‌پایان _____ و به _____ ملکوت ابهی رسند.
- ب- ایشان نوجوانان را به _____ بی‌قوت تشبیه می‌کنند و از خداوند می‌خواهند آنها را قوت بخشد تا هر یک _____، در نهایت _____ و _____ جلوه نمایند.
- ج- ایشان از خداوند می‌خواهند آنها را نصرت و ظفر بخشد تا _____ و _____ را در هم شکنند و _____ را بلند کنند.

د- ایشان دعا می‌کنند که آنها مانند _____ اشجار _____ را
طراوت و لطافت بخشند و به مثابه _____ چمن زار آن اقلیم را
_____ و _____ کنند.

۲- حضرت عبدالبهاء در این مناجات از خداوند می‌خواهند که به جوانان قوای روحانیّه عطا فرماید. کدام یک از موارد زیر را به قوای روحانیّه ربط می‌دهید؟

- _____ علو مقاصد
- _____ توکل به خداوند
- _____ عفت و عصمت
- _____ موذی‌گری
- _____ رقابت
- _____ وحدت
- _____ حُسن اخلاق
- _____ امیال دنیوی
- _____ جوانمردی
- _____ خلوص نیت
- _____ شوق مقام و مرتبت اجتماعی
- _____ محبت الهی
- _____ انجذاب به تجملات

۳- حضرت عبدالبهاء در این مناجات از خداوند می‌خواهند که جوانان را قادر سازد که سپاه جهل و ضلال را در هم شکنند. تعیین کنید که کدام یک از موارد زیر به جوانان در مبارزه علیه چنین قوایی کمک خواهد کرد.

- _____ توانایی غلبه بر تعصبات
- _____ توانایی کمک به ایجاد وحدت فکر
- _____ توانایی فریب دادن دیگران
- _____ توانایی تشخیص صحیح از غلط
- _____ توانایی بیان نظرات عمیق در کمال وضوح
- _____ توانایی استفاده مطلوب از وسائل مادی

___ توانایی سلطه بر دیگران

___ توانایی غلبه بر وسوسه‌های طبیعت پست بشری

___ توانایی بی‌طرفی در قضاوت

___ توانایی ترویج عدالت

۴- حضرت عبدالبهاء در این مناجات از خداوند می‌خواهند که جوانان را قادر سازد که پرچم محبت و هدایت را به اهتزاز در آورند. تعیین کنید کدام یک از موارد زیر جوانان را در چنین سعی و تلاشی کمک خواهد کرد:

___ توانایی ایجاد پیوندهای دوستی و مودت

___ توانایی غلبه بر امتحانات و مشکلات

___ توانایی پی بردن به قصور و اشتباهات دیگران

___ توانایی چشم‌پوشی از قصور و اشتباهات دیگران

___ توانایی خدمت ایثارگرانه به جامعه

___ توانایی شادمان شدن از موفقیت دیگران

___ توانایی امید بخشیدن به دیگران

___ توانایی غلبه بر تعصبات

___ توانایی ترویج منافع شخصی

___ توانایی ترویج رفاه جامعه

بخش چهارم

بیاناتی که در دو بخش پیشین مطالعه نمودیم بیشی نسبت به بعضی از خصوصیات و خصلت‌هایی که جوانان باید داشته باشند، به ما عطا می‌کند. بدیهی است تا زمانی که نوجوانان به سن پانزده برسند، انتظارات بسیاری از آنها خواهد رفت. مسلماً می‌دانیم که آثار مبارکه به سن پانزده به عنوان آغاز دوران بلوغ اشاره دارند. در این سن است که احکام بهائی مانند مواردی که به نماز و روزه مربوط می‌شوند برای فرد واجب می‌گردد. حضرت عبدالبهاء در مورد وصول به سن بلوغ می‌فرمایند:

”طفل رضیع تدرّج در مراتب جسمانی نمود و نشو و نما کرد تا آن که جسم به درجهٔ بلوغ رسید. چون به درجهٔ بلوغ رسید، استعداد ظهور کمالات معنویّه و فضائل عقلیّه حاصل نمود و آثار مواهب ادراک و هوش و دانش ظاهر شد و قوای روحانی جلوه کرد.“^۳

۱- افکار بسیاری در مورد جوانان وجود دارد که با توجه به بیان حضرت عبدالبهاء که در بالا نقل شد می‌توان مورد بررسی قرار داد. به نظر شما، کدام یک از موارد زیر در مورد شخص پانزده ساله مصداق دارد. او

- _____ دارای قابلیت روحانی برای تفکر و تأمل در معنای زندگی و مرگ است
- _____ قادر است مطالب عمیق را، اگر به جامعهٔ تفنّن ملبّس باشد، درک کند و مدّ نظر قرار دهد
- _____ دارای قابلیت فکری برای تجزیه و تحلیل قوایی است که بر زندگی او اثر می‌گذارند
- _____ دارای قابلیت برای پرداختن به کار دقیق و جدّی است
- _____ دارای قابلیت روحانی برای غلبه بر معضلات و مشکلات است
- _____ دارای قابلیت ادارهٔ کلاس‌های روحانی و اخلاقی برای کودکان است
- _____ دارای قابلیت است که تعالیم و اصول امر مبارک را با شیوایی و یقین توضیح دهد
- _____ نیازی به حمایت و محبت والدین ندارد
- _____ می‌تواند برای اجرای احکام بهائی قبول مسئولیت کند
- _____ دارای قابلیت فکری برای درک فرایندهای اجتماعی است
- _____ می‌تواند در خدمات هدف‌مند به جامعه مشارکت داشته باشد

۲- شاید بخواهید مناجات زیر را حفظ کنید:

”هو الله ای پروردگار این نوجوان را نورانی کن و این بینوا را نوایی بخش و آگاهی عطا فرما و در هر صبحگاهی مدد جدیدی بخش تا در پناه تو از هر گناهی محفوظ و مصون ماند و به خدمت امرت پردازد؛ گمراهان را هدایت فرماید و بیچارگان را دلالت کند؛ اسیران را آزاد نماید و غافلان را بیدار کند و به یاد و ذکرتمساز شوند. تویی مقتدر و توانا. عبدالبهاء عبّاس“^۴

بخش پنجم

زمانی که نوجوان از مرز پانزده سالگی عبور می‌کند و به آستانه بلوغ پا می‌گذارد، بعضی از قوای جسمی، فکری و روحانی مورد توجه قرار می‌گیرند. برای پرورش این قابلیت‌های جدید، لازم است نگرش‌ها، افکار و عادات کودکی کنار گذاشته شود. هدایت این قوا به سوی خدمت به امر خدا در عنفوان جوانی آغاز می‌شود. حضرت بهاء الله می‌فرماید:

”طوبی از برای نفسی که در اول جوانی و ریعان شباب بر خدمت امر مالک مبدأ و مآب قیام نماید و به حبش مزین شود. ظهور این فضل، اعظم از خلق سموات و الارض است. طوبی للراسخین و نعیماً للثابتین...“^۵

خدمتی که توسط هر نسل از جوانان به امر مبارک تقدیم می‌شود برای پیشرفت امرالله ضروری است. حضرت ولی امرالله براهمیت مشارکتی که جوانان انجام می‌دهند، تأکید می‌فرماید:

”تمام امید حضرت ولی امرالله برای ترقی و توسعه آتی امر مبارک به بهائیان جوان و فعّالی چون شما متمرکز است و بر شانه‌های این قبیل احباء است که مسئولیت حفظ روح خدمت ایثارگرانه در میان آحاد احباء قرار دارد. هیچ امری بدون این روح، قرین موفقیت نمی‌تواند باشد. با روح مزبور حصول هر گونه فتح و ظفری مسلم است ولو آنکه به سختی به دست آید.“^۶

و اما در مورد خصائلی که جوانان را به طور اخصّ مناسب میدان خدمت می‌سازد، بیت‌العدل اعظم در پیامی خطاب به کلیه محافل روحانی ملّی مرقوم فرمودند:

”جوانان عزیز که با نیروی حیات و قوای جوانی هر مشکلی را آسان شمرده طاقت تحمل سختی‌ها و شداید سفر را دارند و به سهولت خود را با اوضاع محلّ وفق داده با حرارت و محبت خود نفوسی را که ملاقات می‌کنند مشتعل و منجذب می‌نمایند، چون با صفات و کمالات روحانی که سجدیه جوانان بهائی است، مجهز گردند، قادر خواهند بود در نقشه سفرهای تبلیغی سهمی بسیار عظیم به عهده گیرند. فی‌الحقیقه، جوانان بهائی با این خصائص و امتیازات در میدان خدمت چون طلیعه لشکر، پیشرو جمیع هستند و در هر مشروعی که شرکت نمایند، چه در سطح محلّی و چه در دایره ملّی، قوه محرکه و فعّاله خواهند بود. چشم انتظار این مشتاقان به سوی جوانان بهائی دوخته است.“^۷

با توجه به آنچه که در بالا نقل شد، جملات زیر را تکمیل کنید:

- الف- _____ از برای کسانی که در عنفوان شباب به خدمت امرالله قیام می‌کنند.
- ب - _____ از برای نفوسی که در اول جوانی به خدمت امرالله قیام کنند و قلوب خود را به حبّ او مزین سازند.
- ج- مسئولیت حفظ روح خدمت ایثارگرانه در میان احباء به عهدهٔ _____ است.
- د- بدون روح خدمت ایثارگرانه، که حفظ آن به عهدهٔ بهائیان جوان و فعال است، هیچ کاری نمی‌تواند _____ باشد.
- ه- با روح خدمت ایثارگرانه، که حفظ آن به عهدهٔ بهائیان جوان و فعال است، پیروزی امر مبارک، اگرچه به سختی حاصل شود، _____ است
- و- جوانان عزیز که با _____ و _____ هر مشکلی را آسان شمرده _____ و _____ سفر را دارند، قادر خواهند بود در نقشهٔ سفرهای تبلیغی سهمی بسیار عظیم به عهده گیرند.
- ز- جوانان عزیز که قادر خواهند بود در نقشهٔ سفرهای تبلیغی سهمی بسیار عظیم به عهده گیرند، می‌توانند توانایی خود را به کار گرفته به سهولت خود را با اوضاع محلّ _____ و با حرارت و محبّت خود نفوسی را که ملاقات می‌کنند _____ و _____ نمایند.
- ح- جوانان بهائی با این خصائل و امتیازات در میدان خدمت چون _____، _____ جمیع هستند و در هر مشروعی که شرکت نمایند، _____ و _____ خواهند بود.

بخش ششم

بعضی از مفاهیم عموماً مرتبط با خدماتی هستند که جوانان انجام می‌دهند که از آن جمله است خودانگیزگی، هیجان، آزادی پیگیری هرگونه امکاناتی که به ذهن خطور می‌کند. اگرچه در مرتبط ساختن این

این سؤال غالباً سؤالات دیگری را در مورد ارتباط بین تحصیلات اعم از دانشگاهی، حرفه‌ای یا تخصصی و خدمت امرالله مطرح می‌سازد. به بیان دقیق‌تر، گاهی اوقات معلوم نیست جوانان چقدر از قوای خود را باید به هر یک اختصاص دهند. یک حدّ نهایی توصیه به جوانان است که خود را به طور کامل وقف تحصیلاتشان نمایند و قبل از مبادرت جدّی به خدمت امرالله، صبر کنند تا تجربهٔ کافی در زندگی به دست آورند. حدّ افراطی دیگر تشویق آنها به صرف نظر کردن از تحصیلات رسمی و صرف قوای خود به طور کامل در میدان خدمت، به خصوص در این دوران فرصت عظیم است. البته از هر دو حدّ افراطی مزبور باید پرهیز شود. گزیده‌هایی از آثار مبارکه در زیر نقل می‌شود که به شما کمک می‌کند در مورد این مواضع فکر کنید. بعد از خواندن آنها، در محلی که پیش‌بینی شده برداشت خود را بنویسید که جوانان چگونه باید به موضوع تحصیلات و خدمت پردازند.

این که خدمت امرالله باید اصل محوری زندگی هر جوان بهائی باشد در بسیاری از بیانات مبارکه مشهود است؛ از آن جمله است بیان زیر که از طرف حضرت ولی امرالله مرقوم شده است:

”جوانان باید از کلیه امور دنیوی منقطع و مشحون از قوهٔ پرتحرک روح القدس شده برای انتشار پیام الهی و احیاء قلوب قیام نمایند.“^۹

فقرهٔ بعدی که از طرف حضرت ولی امرالله مرقوم شده به لزوم پرورش و توسعهٔ قابلیت‌های فکری و روحانی جوانان به عنوان بخشی از حصول آمادگی آنها برای آینده اشاره دارد:

”امید هیکل مبارک و نیز احبّای الهی آن که شما چه از حیث تعداد و چه از لحاظ روحانیت ارتقاء یابید. آینده امر الهی، که برای همهٔ ما بسیار عزیز است، منوط به قوا و اخلاص نسلی است که در حال قیام است. عنقریب از شما خواسته خواهد شد شانه به زیر مسئولیت‌ها دهید و انتشار امرالله را به عهده بگیرید. اما، برای مبادرت به این امر باید کاملاً مجهّز شوید. شما باید در توسعهٔ وجوه فکری و روحانی خود به طور یکسان تلاش کنید.“^{۱۰}

در مکتوبی که بیت‌العدل اعظم مرقوم فرمودند، توضیحات بیشتری داده شده است:

”برای هر فرد جوان، اعم از بهائی یا غیر بهائی، سنین جوانی دورانی است بسیار مهمّ. در این مرحله از حیات است که تصمیمات قاطعه اخذ شده و شخص بنای زندگانی خود را پی‌ریزی می‌نماید. در این سنین است که هر فرد به احتمال قوی سرنوشت آتیّهٔ خود را تعیین و نوع شغل و کار خود را انتخاب،

معلومات خود را تکمیل و در امرار معاش تلاش می‌نماید. سپس به مرحله زندگی مشترک وارد می‌شود و به تشکیل خانواده می‌پردازد و بالاتر از همه در این دوره است که فکر جوان بیش از هر موقع در صدد تجسس و تحقیق برمی‌آید، مبادی و موازین روحانی را که هادی رفتار و اعمال آینده انسانی است، اتخاذ می‌نماید.^{۱۱}

در مکتوب دیگری که از طرف بیت‌العدل اعظم نوشته شده، هدایت زیر در این رابطه عنایت شده است:

”بسیاری از جوانان دریافته‌اند که وقف دوره خدمت به امر مبارک، در کشور خودشان یا خارج از آن، وسیله‌ای عالی برای کسب دانش و تجربه، آماده کردن زمینه برای تخصیص زندگی به امر مبارک است. اما، باید دقت لازم مبذول گردد و اطمینان حاصل شود که، در تلاش برای کمک به جوانان جهت رسیدن به مدارج عالی‌تر خدمت، مجبور به بی‌توجهی به لزوم آماده کرده خویشتن برای آینده نشوند. البته، دوره‌ای از خدمت تمام‌وقت به امر مبارک می‌تواند بخش ارزشمندی از این حصول آمادگی باشد. این که آیا آنها در مقطعی از تحصیلات یا مشاغل خود هستند که بتوانند چنین خدمتی را به عهده بگیرند موضوعی است که باید، با مشورت با والدین، دوستان و تشکیلات امریه، مورد به مورد تعیین نمود. در جمیع موارد، به تحصیلات در گستره امکانات فرد و فراگیری حرفه یا صنعتی که با آن بتوان امرار معاش نمود، باید اهمیت لازم داده شود. مع هذا، تعریف کردن سالهای ثمربخش جوانی منحصراً به عنوان عرصه حصول آمادگی عبارت از ندیده گرفتن قوای خلاقه‌ای است که در کمال وفور و فراوانی در اختیار جوانان است. به هر تقدیر، بسیاری از علم دارن اولیة امر مبارک رجال و نساء جوانی بودند که قیام کردند و به اجرای امور عظیمه در سبیل محبوب آفاق توفیق یافتند.“^{۱۲}

اکنون، شرح مختصری که برداشت شما از موضوعات مورد بحث را منعکس نماید، بنویسید:

بخش هشتم

تردیدی نیست شرحی که در بخش گذشته نوشتید تأکید دارد که چقدر برای جوانان حائز اهمیت است که، با تحصیلات دانشگاهی یا کسب تعلیمات حرفه‌ای یا تخصصی، خود را به قدر کفایت برای جهانی که به ارث خواهند برد، آماده سازند. اما مطمئناً به این نکته نیز توجه نمودید که خدمت به امر مبارک را مادام که شخص تحصیل می‌کند نمی‌توان به کلی کنار گذاشت. چنین نگرشی معمولاً با گذشت زمان و بزرگ‌تر شدن فرد به آینده استمرار می‌یابد، و فرد تمام زندگی‌اش را در انتظار شرایط مناسب می‌گذراند تا با جدیت تمام شروع به خدمت نماید. این دیدگاه مربوط به ارتباط بین تحصیلات و خدمت زمانی مطرح می‌شود که تحصیل فقط بر حسب یادگیری کتاب تعریف شود. اگر به جای آن، خدمت را عرصه‌ای مشاهده نماییم که در آن دانش آموخته شده به کار گرفته می‌شود و قوای فکری توسعه می‌یابد، در این صورت آن نوع تفکر به سهولت کنار گذاشته می‌شود، و خدمت نه تنها بخشی از هر فرایند صحیح حصول آمادگی برای آینده، بلکه اصل محوری آن، محسوب می‌گردد. در واقع، وقتی خدمت امرالله در عنفوان شباب شروع شود، در تمام زندگی به اصل راهنما تبدیل شده شخص را به ترسیم نقشه برای تعیین مسیر صحیح و درپیش گرفتن جهتی روشن و واضح قادر می‌سازد.

این تشخیص طبیعتاً به سؤالاتی در مورد نوع آمادگی مورد نیاز جوانان جهت تقویت قابلیت خویش برای خدمت منجر می‌گردد. تمایلی به این تفکر وجود دارد که، با شرکت در بسیاری از جلسات و فعالیت‌های جامعه بهائی، یعنی مواردی که تمایل طبیعی آنها به لذت بردن از معاشرت با یکدیگر را ارضاء می‌کند، جوانان قابلیت‌های خود را توسعه خواهند داد و خود را به قدر کفایت برای یک عمر خدمت به امر مبارک آماده می‌سازند. اما، آثار مبارکه به این نکته اشاره دارد که فرایند آموزشی غیررسمی از این قبیل، اگرچه لازم است، اما کافی

نیست. اگر به دقت بنگریم، مشاهده می‌کنیم که حضرت ولی امرالله اظهار امیدواری فرمودند که جوانان در تعالیم مبارکه به نحو مطلوب آموزش و تعلیم ببینند و معرفت کامل و مستدلّ در مورد امر مبارک کسب نمایند. بسیاری از پیام‌های بیت‌العدل اعظم نیز دارای عبارات مشابهی هستند. البته، در آغاز نقشه چهارساله در سال ۱۹۹۶، بیت‌العدل اعظم طالب تأسیس شبکه‌ای از مؤسّسات آموزشی در اطراف و اکناف جهان شدند تا مسئولیت توسعه منابع انسانی امر مبارک را از طریق برنامه‌های رسمی به عهده گیرند. از آن زمان تا کنون، بهائیان در جمیع نقاط در فرایند آموزش سیستماتیک برای توسعه قابلیت خود برای خدمت وارد شدند، و جوانان در خطّ مقدّم این فرایند حصول آمادگی قرار گرفته‌اند. بیت‌العدل اعظم خطاب به یکی از کنفرانس‌های بین‌المللی جوانان مرقوم فرمودند:

”اکنون که فعالیت مؤسّسه آموزشی جزء لاینفکّ در حیات هر یک از جوامع ملّی بهائی شده، بیت‌العدل اعظم امیدوارند بتوانید قابلیت خود برای تأمین نیازهای متعدد امر مبارک در منقطه خود را افزایش دهید. در هر میدان خدمتی که به فعالیت پردازید، هدف اصلی نقشه چهارساله را از نظر دور ندارید. در کمال شور و اشتیاق تبلیغ کنید، در دوره‌هایی که مؤسّسات شما عرضه می‌کنند حضور یابید، یاد بگیرید که مربّیان همان دوره‌ها برای نفوس کثیری شوید که در ظلّ امر مبارک در می‌آیند، تعداد خود را ازدیاد بخشید، و قوای روحانی را که نسل شما را به حرکت خواهد آورد، مهار نمایید.“^{۱۳}

بخش نهم

همانطور که در دو بخش پیشین دیدیم، موقعی که وضعیتی را در نظر می‌گیریم باید مراقب باشیم که آن را به نحوی که وجوه زندگی خود را قسمت بندی می‌کنیم، از هم گسیخته نکنیم که به تناقضات غیرضروری منجر شود. به طور کلی، ذهن انسان تمایل دارد جهانی را که با آن مواجه می‌شود به اجزاء تقسیم کند. واقعیت، اعم از جسمانی، اجتماعی یا روحانی به مراتب وسیع‌تر از آن است که به طور کامل درک شود. بنابراین، فرو شکستن آن به اجزاء جهت درک جزء جزء آن، کاری غیرمنطقی نیست. اما، وقتی این کار بدون در نظر گرفتن تمامیت واقعیت صورت گیرد، مشکل ایجاد می‌شود. اختلافات میان افرادی از نژادها، رنگ‌ها، ملیت‌ها، و ادیان گوناگون نمونه‌هایی از مسائل بسیاری هستند که از برداشت و استنباط جزء جزء عالم وجود حاصل شده‌اند. زیرا، وحدت عالم انسانی یک واقعیت است، و تقسیم آن با خطوط نژادی، قومی، و ملّی حاصل ذهن انسان و نتیجه شرایط تاریخی است.

اگر در این مورد دقیق نباشیم و چنین رویکردی جزء جزء نسبت به زندگی خود داشته باشیم، ممکن است انواع دوگانگی‌ها را که عمدتاً تخیلی هستند، ایجاد کنیم. کار، اوقات فراغت، زندگی خانوادگی، حیات روحانی، سلامت جسمانی، مشغولیت‌های فکری، تحولات فردی، ترقی‌یات جمعی، و غیره بخش‌هایی می‌شود که روی هم رفته موجودیت ما را پدید می‌آورد. وقتی چنین تقسیماتی را واقعی بدانیم و آن را بپذیریم، احساس می‌کنیم به بسیاری از جهات کشیده می‌شویم و سعی می‌کنیم نسبت به آنچه که مقتضیات این وجوه متفاوت زندگی تلقی می‌کنیم واکنش نشان دهیم. اهدافی که آشکارا با هم در تناقض اند ما را سرگردان می‌کنند که آیا باید زندگی خانوادگی را فدای خدمت به امرالله کنیم؟ آیا خدمت به امر مبارک با تلاش من برای تربیت فرزندان تداخل نمی‌کند؟ اینها دو نمونه از سؤالات بی‌شماری است که ممکن است مطرح شود.

برای حلّ دوگانگی‌هایی که ایجاد کرده‌ایم، گاهی اوقات سعی می‌کنیم وقت خود را به طور مساوی بین مقتضیات گوناگونی که در زندگی ایجاد شده تقسیم کنیم. در سایر مواقع، تلاش می‌کنیم مسئولیت‌هایی را که در اولویت قرار دارد تعیین کنیم و قوای خود را بر مواردی متمرکز سازیم که معتقدیم در هر لحظهٔ خاصی از همه مهم‌تر است. البته تخصیص دقیق وقت و نیرو ضرورت دارد. اما تنها در زمانی مثمر‌تر است که ما نسبت به روابط متقابل بسیاری از وجوه زندگی خود آگاه باشیم. اگر ما نتوانیم کلّ را مشاهده کنیم، تنش ایجاد شده در میان تمام بخش‌ها ممکن است ایجاد تشویش و حتی پریشانی و سردرگمی نماید.

در زیر، جنبه‌های گوناگون زندگی به صورت جفت جفت آورده شده است؛ هر جفت باید یکدیگر را تقویت نمایند اما گاهی اوقات به نظر می‌رسد در تضاد هستند. برای هر یک از جملاتی که بعد از هر جفت می‌آید، تعیین کنید که آیا مبین نوع تفکری است که به زندگی هماهنگ منجر می‌شود یا نشانی از تمایل به سوی تقسیم‌بندی و جزء جزء شدن را در بر دارد. به ترتیب به "ه" و "ج" علامت بگذارید.

۱- خانواده و کار

- _____ اگر در زمینهٔ شغلی سخت کار کنم، زندگی خانوادگی من لطمه خواهد دید.
- _____ غالباً دستاوردهای محلّ کار و معضلاتی را که آنجا با آن روبرو می‌شوم با خانواده به بحث می‌گذارم.
- _____ البته زنان می‌توانند در زندگی شغلی به مراتب و مدارج بالا برسند، اما بهای آن را همیشه کودکان می‌پردازند.
- _____ اگر بخواهم فرزندانم را خوب پرورش دهم، باید شغل و حرفه‌ام را فراموش کنم.
- _____ می‌توانم در حرفهٔ خود پیشرفت کنم و به مسئولیت‌های خانواده‌ام نیز به طور کامل توجه داشته باشم.

۲- تحصیل و خدمت امرالله

- _____ باید بین مهاجرت و تحصیل یکی را انتخاب کنم، زیرا امکان ندارد که بتوان هر دو کار را انجام داد.
- _____ موفقیت‌های دانشگاهی پیش شرط ورود به میدان خدمت است.
- _____ دانشی که از طریق تحصیلاتم به دست می‌آورم سرمایهٔ من در میدان خدمت است، و تجربه‌ای که در عرصهٔ خدمت کسب می‌کنم توانایی‌های مرا تقویت خواهد کرد.
- _____ اگر واقعاً بخواهم خود را وقف امرالله کنم باید تحصیلاتم را به کلی ترک کنم.
- _____ یکی از بزرگترین آرزوهایم یادگیری نحوهٔ کاربرد تعالیم مبارکه در تلاش‌هایم برای بهتر ساختن جهان است.
- _____ دوران خدمت که به ترویج امرالله یا طرح‌های توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی ملهم از تعالیم بهائی اختصاص می‌دهم، مرا در انتخاب رشتهٔ تحصیل مناسب یاری خواهد نمود.

۳- پیشرفت فکری و ارتقاء صفات روحانی

- _____ تحرّی حقیقت مستلزم پرورش قوای فکری و عقلانی و نیز کسب صفات روحانی است.
- _____ در ابلاغ امرالله به دیگران، فقط باید به آنها محبت نمایم؛ آنچه که می‌گوییم چندان اهمیتی ندارد.
- _____ پیشرفت فکری مستلزم عدالت، صداقت و عدم تعصب است.
- _____ شخص برای ارتقاء روحانیت باید قوای فکری و عقلی را رها کند.
- _____ اذهان و قلوب ما از یکدیگر جدا نیستند؛ آنها مبین وجوه مکمل یک واقعیت، یعنی روح، هستند که دارای تعامل متقابل با یکدیگرند.
- _____ اتصاف به صفات روحانی از طریق دانش آگاهانه و عامل بودن به اعمال نیکو حاصل می‌شود.

۴- زندگی مادی و زندگی روحانی

- _____ برای ارتقاء روحانیت خویشتن، باید خود را از لذات مادی محروم نمایم.
- _____ موضوعات روحانی را باید تا زمان کهنسالی کنار گذاشت؛ در دوران جوانی باید از هر فرصتی برای ترقیات مادی استفاده کرد.
- _____ قبل از آماده شدن برای توجه به موضوعات روحانی، باید نیازهای مادی تأمین گردد.

_____ هدف از زندگی در این عالم مادی توسعه صفات و خصلت‌های روحانی و قوای معنوی است.
_____ ما باید از تمام مواهبی که عالم عرضه می‌کند استفاده کنیم اما نباید اجازه دهیم که امیال دنیوی قلوب ما را در اختیارگیرد و ما را از تقرّب هر چه بیشتر به خداوند باز دارد.

بخش دهم

در این واحد از کتاب زیاد به صفات و خصائلی که معرف نوجوان است توجه نداریم، بلکه به ویژگی‌های مردان و زنان جوانی می‌پردازیم که رشد و نمو جهت رسیدن به آنها در آثار مبارکه ذکر شده است. این بررسی را با نگاه به دو بیانی که در مورد این ویژگی‌ها به ما بینش داد، شروع کردیم. سپس مشاهده کردیم که پانزده سالگی مقطع خاصی از زندگی فرد را رقم می‌زند، زیرا مبین ورود به آستانه بلوغ است، که قوا و قابلیت‌های جدید مدّ نظر قرار می‌گیرد. می‌دانیم که جوانان چه نقش مهمی می‌توانند در حیات امرالله ایفا کنند و این امر چقدر برای هدایت قابلیت‌های شگرف آنها به سوی خدمت امر مبارک اهمیت دارد. همچنین تصدیق کردیم که لازم است جوانان خود را آگاهانه برای زندگی آینده آماده سازند، و مشاهده کردیم که نفس خدمت، همراه با تحصیلات، بخش اساسی این فرایند حصول آمادگی است؛ هر دوی آنها برای کسب دانش و مهارت جهت امرار معاش و مواردی که سبب تقویت قابلیت‌ها جهت مبادرت به خدمت امرالله می‌شود، ضرورت دارند.

در اینجا توقف و تأمل بر آنچه که تا به حال مطالعه کرده‌اید می‌تواند سودمند باشد. چند جمله ذکر می‌شود. هر یک را بخوانید و تعیین کنید که آیا صحیح است یا غلط. اگرچه در بعضی موارد ممکن است جواب معلوم و بدیهی باشد، اما امیدواریم که به کلّ تمرین توجه کافی مبذول دارید. مقصود از آن وقوف شما بر سلسله نظریاتی است که به سازمان دهی افکار شما در خصوص مطالبی که تا به حال مطرح شده، کمک خواهد کرد.

الف- وصول به پانزده سالگی برای هر کسی به معنای رسیدن به سنّ بلوغ است، اما این موضوع بیشتر نمادین است و بر زندگی درونی او به نحوی هدف مند تأثیر نمی‌گذارد. ص غ

ب- اکثر جوانان نابالغ اند و نمی‌توانند مسئولیت‌های عمده به عهده گیرند؛ آنها به آسانی گیج و پریشان می‌شوند و نمی‌توان به آنها اعتماد کرد. ص غ

ج- جوانان مشتاق اند مسئولیت کار امری به عهده بگیرند، اما به علت عدم تجربه و عدم بلوغ، قادر نیستند توفیق زیادی کسب کنند. ص غ

- د- وقتی جوانی به سنّ بلوغ می‌رسد، در بعضی موارد می‌تواند مسئولیت‌هایی را به عهده بگیرد و در سایر موارد نمی‌تواند.
- ص غ
- ه- جوانان دارای جمیع استعدادهای بالقوه برای قیام به خدمتی متمایز و ممتاز به امرالله هستند.
- ص غ
- و- جوانان می‌توانند قدرت اراده و تعهد خویش را در انجام امورعظیم برای امر نشان دهند
- ص غ
- ز- کسانی که در عنفوان شباب برای خدمت به امر قیام می‌کنند، مورد عنایت اند.
- ص غ
- ح- جوانان باید بیشتر توجه خود را بر تحصیلات خود متمرکز سازند؛ وقت اضافه را می‌توان به خدمت امرالله اختصاص داد.
- ص غ
- ط- کلیه جوانان بهائی برای آن که بتوانند به خدمت امرالله بپردازند باید تا عالی‌ترین سطوح دانشگاهی به تحصیل بپردازند.
- ص غ
- ی- جمیع زمینه‌های تلاش بشری به روی جوانان بهائی باز است؛ آنها باید موارد متناسب با استعدادها و شرایط خود انتخاب کنند و با روح خدمت به این میدان وارد شده جهت وصول به کمال تلاش کنند
- ص غ
- ک- جوانان تجربه و دانش کافی برای تبلیغ مؤثر امرالله را ندارند؛ بهتر است آنها به نوع دیگری خدمت کنند.
- ص غ
- ل- جوانان دارای تجربه و دانش لازم برای تبلیغ مستقیم امرالله نیستند و باید تشویق شوند که به جای آن، الگوئی از زندگی را به نمایش بگذارند که ارزش آن را داشته باشد که سایر جوانان از آن پیروی کنند.
- ص غ
- م- جوانان از استعداد بالقوهٔ زیادی برای درک تعالیم امر مبارک و ابلاغ آن به هم‌تایان خود بهره‌مندند.
- ص غ
- ن- جوانان از استعداد بالقوهٔ زیادی برای درک تعالیم امر مبارک و ابلاغ آن به مردم از هر طبقهٔ اجتماعی و در هر سنّ و سالی که باشند، برخوردارند.
- ص غ
- س- جوانان مشتاق کسب دانش و توانایی‌هایی لازم برای تبلیغ امرالله هستند.
- ص غ
- ع- جوانان یکی از بزرگترین منابع امر مبارک اند و باید، از طریق برنامه‌های آموزشی صحیح و تشویق مداوم، به آنها کمک کرد تا مبلغین قابل و لایق امرالله شوند.
- ص غ

- ف- جوانان به فعالیت‌های خاصی نیاز دارند که برای آنان مفرح باشد؛ برای آنها دشوار است که مدتی طولانی جدی باشند. ص غ
- ص- یادگیری سیستماتیک و منظم بودن بودن، بعدها در زندگی حاصل خواهد شد، یعنی زمانی که خودانگیختگی (صرافت طبع) از میان رفته باشد. ص غ
- ق- به جوانان باید فرصت‌هایی داده شود تا توانایی خود را برای تحمّل شرایط دشوار و انطباق خود با اوضاع جدید به مرحله عمل در آورند. ص غ
- ر- جوانان از قدرت لازم برخوردارند تا با تمسک به موازین عالیّه اخلاقی مندرج در تعالیم مبارکه، بر امتحانات غلبه نمایند. ص غ
- ش- جوانان دارای ذهنی کنجکاو و می‌توانند با شرکت کامل در حیات جامعه به سؤالات خود جواب دهند. ص غ
- ت- جوانان هستند که قاطعانه در شور و حرارت، خلوص و قوه محرکه جامعه بهائی تأثیر می‌گذارند. ص غ
- ث- استعدادهای بالقوه عظیم مکنون در جامعه بهائی را می‌توان از طریق روح خدمت ایثارگرانه که جوانان به عرصه شهود می‌کشند، ظاهر و باهر ساخت. ص غ

بخش یازدهم

امید چنان است که تمرین بخش پیشین در انسجام و قوام تفکر شما در مورد دوران جوانی کمک کرده باشد و تصویری که از این مرحله از زندگی در ذهن خود دارید تصویری از خدمت فعال، همراه با حصول آمادگی دقیق و جدی برای آینده باشد. اندکی بیشتر به این نکته پردازیم.

تا کنون در مورد تأثیر متقابل موجود بین خدمت، تحصیل، و حصول آمادگی صحبت کرده‌ایم؛ این تأثیر متقابل مستلزم بحث و بررسی بیشتر در زمینه‌ای خاص است تا بیشتر مکشوف و معلوم گردد. به عبارت دقیق‌تر، این تأثیر متقابل باید در دو فرایند تحوّل که در آثار امر بهائی پیش‌بینی شده، اثرگذار باشد: رشد مشهود و بارز فکری و روحانی فرد و تحوّل جامعه. می‌دانیم که "امتیاز و رجحان امر مبارک" حضرت بهاءالله "بعث خلق بدیع و نفخ روح جدید در هیاکل و انفس بشریه است"^{۱۴}، و هر یک از بهائیان همواره در تلاش است که افکار و اعمالش را با آنچه

که در نصوص مبارکه توصیف شده انطباق دهد. آثار مبارکه برای تحوّل عمیق در ساختار جامعهٔ عمومی نیز به همان میزان اهمّیت قائل است و بر آن تأکید می‌کند. حضرت بهاءالله به ما می‌فرماید، ”زود است بساط عالم جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد.“^{۱۵} ایشان اعلام می‌فرمایند که، ”جمع از برای اصلاح عالم خلق شده‌اند.“^{۱۶}

این تحوّل دوگانه فقط در اثر مساعی آگاهانه حاصل خواهد شد، نکتهٔ اساسی آن است که جوانان مفاهیم ضمنی آن را در زندگی خود تحقق بخشند و از حسّ قوی هدفمندی برخوردار شوند تا هم مسئولیت رشد شخصی خود را به عهده بگیرند و هم در تحوّل جامعهٔ عمومی عالم نقشی به سزا ایفا کنند. چنین هدف اخلاقی دوگانه طبیعتاً در زندگی همراه با خدمت تجلّی خواهد کرد.

بیاناتی که نقل می‌شوند یکی از وجوه این مفهوم هدف اخلاقی را که به رشد فکری و روحانی ما مرتبط است، توصیف می‌کنند:

”حق، ظاهر شده که ناس را به صدق و صفا و دیانت و امانت و تسلیم و رضا و رفق و مدارا و حکمت و تقی دعوت نماید و به أثواب اخلاق مرضیه و اعمال مقدّسه کُلّ را مزین فرماید.“^{۱۷}

”مبنا و اساس زندگی در سبیل الهی اتّصاف به صفات اخلاقی و تدرّج در مدارج عالیّه معنوی و کسب صفات راضیهٔ مرضیهٔ ساحت قدس الهی است.“^{۱۸}

”به انسان [عوالم عالیّه] عنایت شده تا کسب معرفت نماید، به اعظم کمالات روحانیّه واصل شود، حقایق مکنونه را کشف کند و حتّی صفات الهیه را ظاهر و باهر سازد.“^{۱۹}

”مقصود از آفرینش، عرفان حقّ و لقای او بوده و خواهد بود.“^{۲۰}

۱- جملات زیر را با توجّه به بیانات فوق تکمیل کنید:

الف- حق از برای آن ظاهر شده تا جمیع خلق را دعوت کند به

ب- مقصود خداوند آن که جمیع خلق را به لباس _____ و
_____ مزین فرماید.

ج- مبنا و اساس زندگی در راه حق عبارت از _____ ،
_____ و _____
_____ است.

د- وظیفه ما است که _____ کنیم، به _____
_____ واصل شویم،
_____ ظاهر و باهر سازیم.

ه- هدف از خلقت _____ و _____ بوده و خواهد بود.

۲- بینش نسبت به امکانات ذاتی روح انسان، به شکل دادن احساس هدفمندی در فرد کمک می‌کند. این دواز
چه لحاظ به هم ارتباط دارند؟

۳- همچنین ارتباطی قوی بین احساس هدفمندی فرد و این درک وجود دارد که این زندگی دنیوی فقط بخش
کوچکی از سفری ابدی به سوی حضور در ساحت الهی و لقای او محسوب است. می‌توانید علت آن را
توضیح دهید؟

مجموعه بعدی بیاناتی که نقل می‌شود وجه دیگری از این حس هدفمندی اخلاقی، یعنی مشارکت در
تحول جامعه عمومی دنیا را توصیف می‌کند:

”این مظلوم شهادت می‌دهد که این نفوس فانیه از عدم صرف، قدم در عالم وجود نهادند تا در جهت
اصلاح عالم حرکت نمایند و در کمال اتحاد و اتفاق زندگی کنند.“^{۲۱}

”شرافت و مفخرت انسان در آن است که بین ملأ امکان منشأ خیری گردد؛ در عالم وجود آیا نعمتی اعظم از آن متصور است که انسان چون در خود نگردد مشاهده کند که به توفیقات الهیه سبب آسایش و راحت و سعادت و منفعت هیأت بشریه است؟ لا والله. بلکه لذت و سعادتِ اتم و اکبر از این نه.“^{۲۲}

”چه قدر انسان شریف و عزیز است اگر به آنچه باید و شاید قیام نماید و چه قدر رذیل و ذلیل است اگر از منفعت جمهور چشم پوشیده در فکر منافع ذاتیه و اغراض شخصیهٔ خود عمرگران مایه را بگذارد.“^{۲۳}

”به خود مشغول نباشید؛ در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشید.“^{۲۴}

”حزب الله جز عمار و اصلاح عالم و تهذیب امم مقصودی نداشته و ندارند.“^{۲۵}

۱- با توجه به بیانات فوق، جملات زیر را تکمیل کنید:

الف- ما به این علت از عدم صرف به عالم وجود قدم نهادیم که _____

_____ و _____.

ب- شرافت و مفخرت انسان در آن است که _____

_____.

ج- بزرگ ترین نعمتی که به تصور در آید این است که انسان چون در خود نگاه کند مشاهده کند که به

سبب _____

_____ است

د- چه قدر انسان شریف و عزیز است اگر _____ قیام کند و

_____ چه قدر رذیل و ذلیل است اگر از _____

_____ چشم پوشد و در فکر _____

_____ بگذراند.

ه- ما نباید به _____ باشیم؛ بلکه باید در فکر _____ و

_____ باشیم.

و- حزب الله جز _____ و _____ و _____ مقصودی
نداشته و ندارند.

۲- حس هدفمندی فرد، تا حدی، با بینش نسبت به فرصت‌های بزرگی شکل می‌گیرد که در این مرحله توسعه و ترقی، که وحدت نوع بشر در یک خانواده بزرگ بشری حقیقتاً امکان پذیر است، پیش روی بشریت وجود دارد. این دوازده لحاظ با هم مرتبط هستند؟

۳- بین حس هدفمندی فرد و این ادراک که عالم بشری در مسیر تکامل طولانی منتهی به مدنیت الهی قرار دارد، نیز ارتباطی وجود دارد. می‌توانید علت آن را توضیح دهید؟

بخش دوازدهم

همانطور که در تمرین‌های بخش پیشین مطرح شد، درک ماهیت تغییر و تحول در فرد و جامعه عمومی عالم که در آثار مبارکه مطرح شده برای حس هدفمندی که جوانان باید از آن برخوردار باشند، اهمیتی اساسی دارد. آنها برای کسب صفات جواهرآسایی که در "معدن انسانی"^{۲۶} وجود حقیقی شان مکنون و پنهان است، و برای مشارکت در ایجاد مدنیته جهانی که از لحاظ مادی و روحانی مطلوب و پررونق باشد، باید عظمت تحولی را که حضرت بهاءالله طالب آن هستند، دریابند. البته، امروزه مردم در همه جا در خصوص لزوم تغییر و تحول صحبت می‌کنند. آنچه که باید دریابیم این است که تحولی که مقدر است در فرد و جامعه تحت نفوذ مستقیم ظهور حضرت بهاءالله صورت گیرد به مراتب اعظم از آن است که اکثر مردم امکان پذیر بودنش را حتی تصور می‌کنند.

حال، با توجه و تأمل بر چند بیان سعی می‌کنیم بارقه‌ای از عظمت تحولی را که در سطح فردی رخ خواهد داد، مشاهده نماییم. حضرت بهاءالله می‌فرمایند:

”خَلَقِي بِا صِفَاتٍ وَ فِضَائِلٍ مِّمْتَاذَه مَبْعُوثٌ كَرَدْنَد كِه قَدَمِ اِنْقِطَاعِ بَر كَلِّ مِّنْ فِى الْاَرْضِيْنَ وَ السَّمَوَاتِ كَذَارِنْد
وَ آسْتِيْنَ تَقْدِيْسِ بَر كَلِّ مَا خُلِقَ مِّنِ الْمَاءِ وَ الطِّينِ بَر اَفْشَانِنْد.“^{۲۷}

در بیانی از قلم آن حضرت نازل:

”قُلِ الَّذِينَ ارْتَكَبُوا الْفَحْشَاءَ وَ تَمَسَّكُوا بِالْدُّنْيَا أَنَّهُمْ لَيْسُوا مِنِ اَهْلِ الْبَهَاءِ هُمْ عِبَادٌ لَوْ يَرُدُّونَ وَاوَدِيًّا مِنَ الدَّهَبِ يَمْرُونَ كَمَرَّ السَّحَابِ وَ لَا يَلْتَفِتُونَ إِلَيْهِ أَبَدًا أَلَا أَنَّهُمْ مِنِّي لِيَجِدَنَّ مِنْ قَمِيصِهِمُ الْمَلَأَ الْأَعْلَى عَرَفَ التَّقْدِيسِ ...“^{۲۸}

و در بیان دیگر نازل:

”الْيَوْمَ اصْحَابُ الْهَيْ مَائِهِ اِحْزَابٌ عَالَمِنْدٌ؛ بَايِدُ كُلِّ اَزْ اَمَانَتٍ وَ صَدَقٍ وَ اسْتِقَامَتٍ وَ اَعْمَالٍ وَ اِحْلَاقٍ اَيْشَانِ اِقْتِبَاسٍ نَمَايِنْد.“^{۲۹}

و در کلامی دیگر توضیح می فرمایند:

”دَر اَنْفَاسِ نَفُوسٍ مَقْدَّسَه تَاثِيْرَاتٍ كَلِيَّه مَسْتُوْر اَسْت عَلَي سَاْنٍ يُوْثِرُ فِي الْاَشْيَاءِ كَلْهَا.“^{۳۰}

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

”ای احبای الهی کاری کنید که جمیع ملل و جوامع عالم، حتی اعداء، اعتماد به شما نمایند و امید به شما بندند؛ که اگر نفسی صدهزار بار خطا کند باز هم به شما روی آورد و امید به عفو گناهان داشته باشد؛ چه که احدی نباید نومید گردد یا محزون شود یا افسرده شود. این است سلوک و شیوه اهل بهاء؛ این است اساس طریق اعلی؛ شما باید به موجب نصایح عبدالبهاء سلوک و حرکت نمایید.“^{۳۱}

شکوه و جلال صفات تعیین کننده خصیصه این انسان جدید، آن گونه که در آثار مبارکه توصیف شده، خیره کننده است، و ما تحت تأثیر بارقه های نشأت گرفته از قوا و قابلیت های این نژاد جدید انسان ها قرار می گیریم. موقع خواندن چنین فقراتی از آثار مبارکه می توانیم به انحاء گوناگون عکس العمل نشان دهیم. ممکن است به این نوع تفکر تمایل داشته باشیم که معیار تعیین شده در آثار مبارکه آن قدر فراتر از توان ما است که در حد آدمی کم مایه تنزل نماییم؛ در چنین حالتی ممکن است با این باور خام شویم که صرفاً پرهیز از رفتار نامناسب کافی است. اما، وقتی کسی از حس قوی هدفمندی برخوردار باشد، فقراتی مانند آنچه که در بالا نقل شد منبعی دائمی از تشویق است که انسان را به مدارج عالی تر و معارج متعالی تر سوق می دهد.

با این حال، ما از موهبت منبع الهام دیگری در شخص حضرت عبدالبهاء، در مقام مثل اعلای تعالیم آب بزرگوارش برخورداریم. اگرچه واقفیم که حضرت عبدالبهاء در عالم خاص خود حرکت می‌کنند و هیچ فرد بشری هرگز نمی‌تواند امیدوار باشد به مقام شامخ ایشان واصل گردد، اما در وجود آن حضرت تجسد و تمثیل هر یک از آرمان‌های بهائی را مشاهده می‌کنیم و در جهت رسیدن به آن معیار رفتاری که ایشان مثال و الگوی آن هستند تلاش می‌نماییم. شما و دوستانتان که این دوره را می‌گذرانید ممکن است انتخاب عباراتی از بیانات فوق و تفکر در خصوص وقایعی از حیات حضرت عبدالبهاء را که صفات مذکور در هر یک از بیانات را منعکس می‌کند، مفید بیابید. مثلاً وقتی سعی می‌کنیم راه رفتن با قدم انقطاع را مجسم سازیم، داستان‌هایی از حیات عنصری ایشان به ذهن متبادر می‌شود که به ما نشان می‌دهد حرکت کردن در این جهان در حالت انقطاع از جمیع اشیاء به چه معنی است. وقتی به "عرف تقدیس" فکر می‌کنیم می‌دانیم که که از "قمیص" ایشان است که "ملاً الأعلی" می‌توانند آن حلاوت و بوی خوش را استشمام نمایند و داستان‌هایی را به یاد می‌آوریم که تقدس محض و تنزه بحت ایشان را به تصویر می‌کشد.

بخش سیزدهم

حال به بررسی فرایند عمیق تحوّلی بپردازیم که باید در سطح جامعه عمومی عالم صورت گیرد. حضرت بهاء الله می‌فرمایند:

”لعمری سوف نظوی الدنیا و ما فیها و نبسط بساطاً آخر.“^{۳۲}

و در مقام دیگر می‌فرمایند:

”قد اضطرب النّظم من هذا النّظم الأعظم و اختلف التّرتیب بهذا البدیع الّذی ماشهت عین الإبداع شبهه.“^{۳۳}

حضرت عبدالبهاء تأیید می‌فرمایند:

”عدل و حقانیت جهان را احاطه کند و عداوت و بغضاء زائل شود و آنچه که سبب جدایی میانه قبائل و طوائف و ملل است از میان رود و آنچه که سبب اتحاد و اتفاق و یگانگی است به میان آید؛ غافلان بیدار شوند؛ کورها بینا گردند؛ کرها شنوا شوند؛ گنگ ها گویا گردند؛ مریض‌ها شفا یابند؛ مرده‌ها زنده

شوند؛ جنگ مبدل به صلح شود؛ عداوت منقلب به محبت گردد؛ اسباب نزاع و جدال به کلی از میان برخیزد و از برای بشر سعادت حقیقی حاصل شود؛ ملک آئینه ملکوت شود؛ ناسوت سریر لاهوت گردد.^{۳۴}

در بیانی دیگر می‌فرمایند:

”آنچه در مراحل بدوی و محدود گذشته بشر نیازمندی‌های نوع انسان را برطرف می‌ساخت، از عهده حوائج دوره تجدد و بلوغ برنیاید. زیرا انسان دیگر از آن مراحل بدوی محدود گذشته است و باید امروز به فضائل و قوایی جدید فائز گردد و از اصول اخلاقی جدید و استعدادی جدید برخوردار گردد. انسان در این زمان به مواهب و فیوضات جدیدی مخصّص گشته است.“^{۳۵}

ایشان به ما توصیه می‌فرمایند:

”ما باید به جان و دل بکوشیم تا این ظلمت عالم امکان زائل گردد، انوار ملکوت از جمیع آفاق بتابد، عالم انسانی نورانی شود، صورت و مثال الهی از مراایب انسانی آشکار شود، شریعت الهی تمکن تام یابد و کلیه اقالیم عالم تحت صیانت و عدالت الهیه از صلح و آسایش و آرامش نصیب برود.“^{۳۶}

مانند قضیه فرد، در اینجا نیز برای ما دشوار خواهد بود شکوه و جلال کامل مدنیتی را که مقدر است به وجود آید در نظر مجسم کنیم. مسلماً، توصیف ویژگی‌های آن به سختی امکان پذیر است. با این حال، ما نمی‌توانیم آنقدر تحت تأثیر عظمت تحوّل لازم واقع شویم که فکر کنیم بدون آن که تلاشی از طرف ما صورت گیرد، به نحوی معجزه‌آسا تحقق خواهد یافت. دیدگان ما باید بر نظم جهانی حضرت بهاءالله متمرکز باشد، و ما باید متوجه باشیم که حتی کوچک‌ترین حرکت ما می‌تواند در جهت بنای این نظم جهانی مؤثر باشد. برای تفکر و تأمل بیشتر در مورد وسعت تحوّل که در جامعه عمومی رخ خواهد داد، جای خالی در هر یک از جملات زیر را با استفاده از یکی از واژه‌ها یا عبارات زیر پر کنید:

زائل شود؛ از میان رود؛ مبدل ... شود؛ نسط؛ نصیب برود؛ بتابد؛ منقلب ... گردد؛ از میان برخیزد؛ حاصل شود؛ احاطه کند؛ نظوی؛ زائل گردد؛ به میان آید؛ نورانی؛ شود؛ تمکن

الف- سوف _____ الدنیا و ما فیها...

ب- سوف _____ بساطاً آخر.

- ج- عدل و حقانیت جهان را _____ .
- د- عداوت و بغضاء _____ .
- ه- آنچه که سبب جدایی میانهٔ قبائل و طوائف و ملل است _____ .
- و- آنچه که سبب اتحاد و اتفاق و یگانگی است _____ .
- ز- جنگ _____ به صلح _____ .
- ح- عداوت _____ به محبت _____ .
- ط- اسباب نزاع و جدال به کلی _____ .
- ی- از برای بشر سعادت حقیقی _____ .
- ک- مُلک آئینهٔ ملکوت _____ .
- ل- ظلمت عالم امکان _____ .
- م- عالم انسانی _____ .
- ن- انوار ملکوت از جمیع آفاق _____ .
- س- شریعت الهی _____ تامّ یابد.
- ع- کلیه اقالیم عالم تحت صیانت و عدالت الهیه از صلح و آسایش و آرامش _____ .

بخش چهاردهم

فقرات و تمرینات در دو بخش پیشین بینشی در مورد تحول عمیقی که در اثر ظهور حضرت بهاءالله در فرد و جامعه رخ خواهد داد، به ما عطا کرد. برای آن که بیش از پیش عظمت تحوّل را که حضرت بهاءالله پیش بینی فرموده‌اند مدّ نظر قرار دهید، عبارات زیر را بخوانید. هر یک از آنها صفتی از صفات ممدوح فرد یا جامعه، مانند عدالت، انصاف یا محبت را بیان می‌کند. با این حال، فقراتی که در بخش‌های پیشین خوانده شد هیچ شکّی به

جای نمی‌گذارد که حضرت بهاء‌الله عالم انسانی را به معیارهایی به مراتب بالاتر از رفتار و سلوک فردی و جمعی فرا خوانده‌اند. سعی کنید هر یک از جملات را به صورتی متفاوت بیان کنید به طوری که معیاری را که در آثار ایشان مطرح شده با وضوح بیشتر بیان نماید. برای کمک به شما، جملهٔ اول به عنوان نمونه به صورتی دیگر بیان شده است.

الف- باید احساس حسادت را تحت کنترل در آورد تا انسان را به تحلیل نبرد و نابود نکند.

ب- ما باید هرگونه شائبهٔ حسد را از قلوب خود زائل سازیم.

الف- ما باید نسبت به هرکسی که ملاقات می‌کنیم، اعم از آشنا یا بیگانه، مؤدب باشیم.

ب-

الف- ما باید از ثروت مادی که خداوند به ما عنایت کرده همیشه شاکر باشیم و همیشه موقعی که از ما

خواسته می‌شود، به صندوق‌های خیریه تبرّعات پرداخت نماییم.

ب-

الف- باید سعی کرد که با دیگران اختلاف و نزاعی ایجاد نشود.

ب-

الف- برخورداری از زندگی معنوی و اخلاقی دالّ بر آن است که نباید به دیگران آسیبی برسانیم و لطمه‌ای

وارد کنیم.

ب-

الف- برای آن که در آرامش و صلح زندگی کنیم، باید یاد بگیریم که با نفوسی که از فرهنگ‌ها، پیشینه‌ها و

ادیان متنوع هستند، با مدارا رفتار کنیم.

ب-

الف- همه باید یاد بگیرند که از حقوق خود دفاع کنند.

ب-

الف- لازم است که دولت ها منابع لازم را برای فراهم آوردن بهترین برنامه های ممکن جهت مدرسی که به تربیت اذهان رهبران آینده ما مشغول اند، اختصاص دهند.

ب-

الف - زندان ها باید به صورتی جدید و مدرن در آورده شود تا مجرمان را بازپروری نمایند.

ب-

حال، با توجه به بیاناتی که نقل می شود، در مورد جملاتی که خود نوشته اید تأمل و اندیشه کنید. بیان اول به ما کمک می کند فکر کنیم که قلوب تا چه حد باید از امیال دنیوی پاک و پیراسته باشند:

”ای پسران ارض به راستی بدانید قلبی که در آن شائبه حسد باقی باشد، البته به جبروت باقی من در نیاید و از ملکوت تقدیس من روائح قدس نشنود.“^{۳۷}

بیان زیر، در رابطه با نحوه رفتار با دیگران، به ما بینش می دهد:

”باید ... رعایت و محبت را به درجه ای رساند که بیگانه خود را آشنا بیند و دشمن خود را دوست شمرد؛ یعنی ابداً تفاوت معامله گمان نکند.“^{۳۸}

این بیان مبارک نوری دیگر بر صفات ممدوحه در مورد سخاوت و بخشش می تابد:

”ای پسران تراب اغنیا را از ناله سحرگاهی فقرا اخبار کنید که مبادا از غفلت به هلاکت افتند و از سدره دولت بی نصیب مانند. الْكَرْمُ وَالْجُودُ مِنْ خِصَالِي؛ فَهَنِيئًا لِمَنْ تَزَيْنَ بِخِصَالِي.“^{۳۹}

و اما درباره ماهیت تعاملات ما با دیگران، به این بیان ناظریم:

”منادی حبّ گرد و مهربان به نوع انسان؛ محبّ بشر شو و غم خوار جمیع نفوس در آفاق؛ صلح پرور گرد و دوستی و راستی جو؛ هر زخمی را مرهم شو و هر دردی را درمان گرد؛ سبب الفت نفوس شو و آیات

هدایت ترتیل نما؛ به عبادت حق مشغول شو و به هدایت خلق برخیز؛ زبان به بیان بگشا و رخ به نار محبت الله برافروز؛ دمی میاسا و نفسی راحت معجوتا آیت محبت الله گردی و رایت موهبت الله.^{۴۰}

در خصوص رفتار اخلاقی نیز به بیان زیر متوجهیم:

”دوران کفایت عبادات کسالت آور فتورآمیز منقضی شد. امروز روزی است که به واسطه قلب طاهر و اعمال حسنه و تقوای خالص، هر نفسی می تواند به ساحت عرش الهی صعود نماید و در درگاه خداوند مقرب شود و مقبول افتد.“^{۴۱}

و اما در مورد رفتار با نفوسی که پیشینه و سابقه آنها متفاوت است، این بیان مبارک نوری فراروی ما می افکند:

”با جمیع ملل و طوائف و ادیان به کمال راستی و درستی و وفاپرستی و مهربانی و خیرخواهی و دوستی معامله نمایید تا جهان هستی سرمست جام فیض بهائی گردد و نادانی و دشمنی و بغض و کین از روی زمین زائل شود؛ ظلمت بیگانگی از جمیع شعوب و قبائل به انوار یگانگی مبدل گردد. اگر طوائف و ملل سائره جفا کنند، شما وفا نمایید؛ ظلم کنند، عدل بنمایید؛ اجتناب کنند، اجتناب کنید؛ دشمنی بنمایند، دوستی بفرمایید؛ زهر بدهند، شهد ببخشید؛ زخم بزنند مرهم بنهید. هذا صِفَةُ الْمُخْلِصِينَ.“^{۴۲}

بیانی که نقل می شود به ما کمک می کند دریابیم آگاهی نسبت به یگانگی نوع بشر چگونه بر روابط اجتماعی اثر می گذارد:

”امیدم چنان است تمام عادل باشید و همه فکرتان این باشد که با عموم بشر آمیزش کنید و نهایت عدل و انصاف در معاملات خود مجری دارید. همیشه حقوق دیگران را بیش از حقوق خود ملاحظه داشته باشید و منفعت دیگران را مرجح بر منفعت خود بدانید.“^{۴۳}

بیان مبارکی که نقل می شود به دسترسی به تحصیلات مربوط می شود:

”از جمله تعالیم بهاء الله این است که جمیع عالم باید تحصیل معارف کنند تا سوء تفاهم از میان برخیزد؛ جمیع بشر متحد شوند و ازاله سوء تفاهم به نشر معارف است.“^{۴۴}

و اما در مورد رعایت عدالت، بیان زیر راهنمای ما است:

”اما مدنیت الهیه نفوس بشر را چنان تربیت نماید که نفسی ارتکاب جرائم ننماید الا افراد نادره که آن ابدأ حکم ندارد. پس فرق است در این که نفوس را از قبائح و جرائم به واسطه زجر و قصاص و شدت انتقام منع نماییم و یا آن که چنان تربیت کنی و نورانیت بخشی و روحانیت بدهی که نفوس بدون خوف از زجر و انتقام و قصاص از جرائم اجتناب نمایند بلکه نفس جرائم را نعمت کبری و جزاء عظیم شمرند.“^{۴۵}

بخش پانزدهم

در مورد احساس دوگانه هدفمندی صحبت کرده‌ایم که افراد را وامی دارد که مسئولیت رشد روحانی و فکری خود را به عهده بگیرند و در جهت سعادت و رفاه جامعه عمومی نیز مشارکت داشته باشند. مشاهده کرده‌ایم که حس دوگانه هدفمندی، که امروزه برای جوانان بسیار ضروری است، با درک ماهیت و عظمت تحوّل در فرد و جامعه که در آثار مبارکه پیش‌بینی شده، تقویت می‌شود. آنچه که باید بدان توجه داشته باشیم این است که این دو فرایند تغییر، ارتباطی بس نزدیک با هم دارند. توسعه استعدادهای بالقوه و قوای مکنون و تلاش برای سعادت و رفاه جامعه را نمی‌توان از یکدیگر جدا نمود، زیرا رفتار و معیارهای اخلاقی و معنوی شخص است که محیط او را شکل می‌دهد و به نوبه خود از ساختار جامعه تأثیر می‌پذیرد. حضرت ولی امرالله در مکتوبی که از طرف ایشان مرقوم شده چنین بیان می‌فرمایند:

”نمی‌توانیم قلب انسان را از محیط اطراف او جدا سازیم و بگوییم که وقتی یکی از آنها اصلاح گردد همه چیز اصلاح خواهد شد. انسان جزء لاینفک عالم است. حیاط باطنی اش تعیین کننده شکل محیط او است و خود فی نفسه عمیقاً متأثر از آن است. هر یک از آنها بر دیگری تأثیر می‌گذارد و هر تغییر دائمی در حیات انسان نتیجه فعل و انفعال متقابل است.“^{۴۶}

با توجه به بیان فوق، تعیین کنید که آیا عبارات زیر صحیح اند یا غلط:

الف- فرد فقط زمانی که جامعه کاملاً اصلاح شده باشد، متحوّل می‌شود. ص غ

ب- اشکالات جامعه فقط زمانی به کلی حلّ می‌شود که تک تک اعضاء جامعه روحانی شده باشند. ص غ

- ج- صرف نظر از نحوهٔ رفتار افراد، وقتی قوانین عادلانه وضع شود، جامعه از ظلم رها می‌شود. ص غ
- د- جامعه زمانی از ظلم رهایی می‌یابد که تک تک افراد سعی کنند عادل باشند. ص غ
- ه- تمام افراد جامعه می‌توانند عادل باشند حتی اگر نظام حقوقی حاکم ناعادلانه باشد. ص غ
- و- وقتی همه از روحانیت برخوردار شوند، مسائل جامعه حل خواهد شد. ص غ
- ز- رفتار فرد بر محیط اجتماعی اثر می‌گذارد. ص غ
- ح- جامعهٔ عادل نتیجهٔ تلاش‌هایی است که برای از بین بردن ساختارهای ناعادلانه و آموزش افراد که منصف و طالب حقیقت باشند، مبذول می‌شود. ص غ
- ط- هیچ کس را گریزی از تأثیرات محیط اجتماعی اش نیست. ص غ
- ی- افراد بشر، با کمک قوای روحانی خود، می‌توانند بر اثرات منفی محیط اجتماعی فائق آیند. ص غ
- ک- وقتی همه یگانگی نوع بشر را تصدیق نمایند، تعصب از میان می‌رود. ص غ
- ل- تعصب تنها در صورتی از بین می‌رود که جامعه جمیع آثار تبعیض را در قوانین و مؤسساتش از میان ببرد و لغو کند. ص غ
- م- از طریق وضع قوانین عادلانه و آموزش نفوس که به تحرّی حقیقت پردازند و با هر کسی در کمال محبّت و رعایت معاشرت نمایند، هر شکلی از تعصب را می‌توان از بین برد. ص غ
- ن- وقتی همه معتقد باشند که عالم انسانی واحد است، به وحدت دست می‌یابیم. ص غ
- س- تأسیس وحدت در عالم مستلزم متحوّل شدن فرد و ساختار جامعه است. ص غ

بخش شانزدهم

نظریه‌هایی که در بخش پیشین مطرح شد، ما را به موضوع خدمت برمی‌گرداند، زیرا در میدان خدمت است که استعدادهای بالقوهٔ ما به ظهور می‌رسد و توسعه می‌یابد و بر تغییر و تحوّل جامعه اثر می‌گذارد. نیازی به توضیح و تشریح نیست که مشارکت در فرایند تحوّل اجتماعی دلالت بر وقف زندگی به خدمت دارد. اما، آنچه که به تفکر

بیشتر نیاز دارد، طریق تأثیر خدمت در رشد فکری و روحانی فرد است. فهرستی از فعالیت‌ها ذکر می‌شود. سعی کنید به بعضی از خصائل روحانی فکر کنید که در اجرای هر یک از آنها و در تضمین اثربخشی آنها مورد نیاز است.

الف- تشکیل جلسه دعا: _____

ب- رفتن به ملاقات کسی در خانه‌اش برای مذاکره در مورد امر مبارک: _____

ج- تدریس در کلاس اطفال: _____

د- مساعدت به گروه نوجوانان به عنوان مشوق: _____

ه- تبلیغ امرالله به صورت بخشی از نقشه شخصی: _____

و- تبلیغ امرالله به عنوان بخشی از مساعی جمعی: _____

ز- فعالیت به عنوان راهنمای حلقه مطالعه: _____

حال، معدودی از خصائل روحانی که همه سعی داریم از آن برخوردار شویم، ذکر می‌شود. برای هر گروه از کلمات، یکی از فعالیت‌های فوق را که معتقدید خصائل مذکور را به نحو بارزی تقویت می‌کند، انتخاب نمایید. توضیح دهید که از چه لحاظ فکر می‌کنید فعالیت مزبور در پرورش صفات در فردی که به آن مبادرت می‌کند، تأثیر می‌گذارد.

الف- صداقت، امانت، عدالت

ب- شکیبایی و مهربانی

ج- تقدیس، خلوص، و نورانیت

د- شهامت، اطمینان، اعتماد به نفس، و فروتنی

ه- تسلیم و رضا در مقابل اراده الهی

بخش هفدهم

خدمت زمینه‌ای جامع و فراگیر است که جمیع وجوه زندگی ما را در بر می‌گیرد. وقتی به روح خدمت ایثارگرانه زنده شویم، هر تعاملی که داشته باشیم، هر اقدامی که در زندگی حرفه‌ای خود، به عنوان عضوی از جامعهٔ بهائی، در معاملات خود با دیگران انجام دهیم، متأثر از آن خواهد بود. اما، هر خدمتی که انجام دهیم، همیشه از این نکته آگاه خواهیم بود که نقشهٔ سازمان‌یافته‌ای برای انتشار امرالله وجود دارد که حضرت عبدالبهاء بنفسه المقدّس ترسیم فرموده‌اند؛ نقشه‌ای که در مراحل متمایز رخ می‌گشاید و بیان می‌شود و ما باید خود را وقف آن کنیم؛ یعنی الواح نقشهٔ ملکوتی. حضرت ولی امرالله آن را به عنوان ”فرمان مفخّم که به قوهٔ خلاقهٔ اسم اعظم ایجاد ... گشته“^{۴۷} توصیف فرموده‌اند. حضرت ولی امرالله در بیانی می‌فرمایند که نقشهٔ مزبور

”رو به بسط و اتّساع است و هر روز بر سرعت و نفوذ خود افزوده و موانع و مشکلاتی را که در اقالیم مختلفه و بین قبائل و نژادهای متنوّع موجود است مرتفع و دائرهٔ عملیات خود را متّسع می‌سازد. این نقشهٔ بدیعهٔ قوای مکنونه و آثار بهیّیهٔ خود را دائماً آشکار و راه را برای حصول هدف نهایی، یعنی فتح روحانی کرهٔ ارض، مستعدّ و هموار می‌سازد.“^{۴۸}

می‌دانیم که با الواح نقشهٔ ملکوتی حضرت عبدالبهاء، نور ظهور حضرت بهاءالله در جمیع نقاط عالم خواهد تابید و حیات جمعی و فردی را متحوّل خواهد ساخت. به علاوه، حضرت ولی امرالله تأکید می‌فرمایند که:

”مرحلهٔ نهایی که عالی‌ترین مدارج اکمال و اتمام نقشه‌ای است که ذات الوهیت بنفسه برای عالم انسانی ترسیم فرموده، به نوبهٔ خود، علامت ولادت مدنیتی جهانی خواهد بود که از لحاظ وسعت، خصوصیت و قوّت، در تاریخ عالم انسانی بی سابقه و نظیر بوده است؛ مدنیتهٔ که نسل‌های آتی نوع بشر به صدای واحد به عنوان ثمرهٔ جنبیهٔ عصر ذهبی دور حضرت بهاءالله مورد مدح و ستایش قرار خواهند داد.“^{۴۹}

هیكل مبارک در بیانی مانند آنچه که در زیر نقل می‌شود از احبّاء تقاضا کردند که سهم خود را در پیشبرد

نقشه ادا کنند:

”باید جمیع در این وظیفهٔ عظیمه شرکت نمایند، هرچند اصل و نسبشان حقیر و تجاریشان محدود و بضاعتشان مزجاة و معلوماتشان یسیر و مشاغل و غوائلشان فوری و کثیر و محیط زیست و اقامتشان نامساعد و غیرمطلوب باشد.“^{۵۰}

و نیز فرمودند:

”فی الحقیقه میدان خدمت چنان وسیع و ایام به درجه‌ای خطیر و امرالله به شأنی عظیم و خدام آستان به پایه‌ای قلیل و فرصت به حدی کوتاه و قصیر و افتخارات به میزانی جلیل و پربها است که احدی از پیروان امر حضرت بهاءالله که خود را قابل انتساب به آستان مقدس الهی شمارد لحظه‌ای تأمل و تردید به خود راه ندهد و دقیقه‌ای در انجام وظایف روحانیّه خویش توقف ننماید.“^{۵۱}

هر مرحله از ظهور و بروز نقشهٔ ملکوتی الهی به وسیلهٔ یکی از نقشه‌های تبلیغی جهانی که توسط رهبری امرالله به جریان افتد، رقم می‌خورد. هر نقشه دارای مقتضیاتی معین است، و می‌دانیم که رشتهٔ فعلی نقشه‌های جهانی بر پیشبرد جریان دخول افواج نوع بشر در ظل امر الهی متمرکز است. بیت‌العدل اعظم در این رابطه خطاب به جوانان بهائی می‌فرماید:

”در هر مرحله از رشد و توسعهٔ امر مبارک، جوانان نقشی محوری در ترویج و تحکیم آن ایفا کرده‌اند. شما از این موهبت برخوردارید که در مقطعی بی‌مثیل از تاریخ بشری در سنین جوانی به سر می‌برید. باید، مانند نسل پیش از خود، فرصت‌هایی را که این ساعت خطیر برای شما به ارمغان آورده غنیمت شمیرید. در این سال‌ها جامعهٔ بهائی باید پیشرفتی چشمگیر در جریان دخول افواج مقبلین داشته باشد. اکنون زمان تبلیغ است. بر شما واجب است که مسئولیت هدایت نه تنها هم‌تایان خود بلکه جمیع نفوس به سوی مدنیت جهانی حضرت بهاءالله را به عهده بگیرید.“^{۵۲}

بیت‌العدل اعظم خطاب به یکی از کنفرانس‌های جوانان، مطالب زیر را دربارهٔ مشارکت در نقشه‌های جهانی بیان می‌فرماید:

”نقشهٔ پنج‌ساله، که بلا تردید نقطهٔ تمرکز مشاورات شما در چند روز آینده خواهد بود، مستلزم توجه تام و مستمر به دو حرکت اساسی است. حرکت اول عبارت از جریان مداوم احباء در دوره‌های متسلسل عرضه شده توسط مؤسسات آموزشی، جهت توسعهٔ منابع انسانی امر مبارک است؛ و حرکت ثانی، که از

حرکت اول قوه محرکه‌اش را دریافت می‌دارد، عبارت از حرکت محدوده‌های جغرافیایی از مرحله‌ای از رشد به مرحله بعدی است. جوانان بهائی باید در هر دو حرکت مزبور شدیداً مشارکت داشته باشند؛ فی‌الحقیقه، آنها باید قوه محرکه و پیش‌برنده هر دو باشند. لذا، توصیه می‌کنیم مذاکرات خود را در چارچوب این دو نیاز مبرم قرار دهید. به عنوان افراد، به عنوان اعضاء جوامع محلی و ملی خود، و به عنوان پیشتاز کل نسل در منطقه خود، از خویشتن پرسید که چگونه می‌توانید پیشرفت جریان دخول افواج مقبلین در هر یک از کشورهايتان را، که هدف نقشه پنج‌ساله است، تضمین نمایید و تحقق بخشید.^{۵۳}

بیانات فوق نسبت به نیاز مبرم حرکت جوانان به خط مقدم خادمان نقشه ملکوتی ابداء تردیدی در ذهن شما باقی نمی‌گذارد. در پایان این بخش، تأمل و تفکر در خصوص پیام‌های ذیل که توسط بیت‌العدل اعظم خطاب به رشته‌ای از اجتماعات جوانان در قاره امریکای لاتین صادر شده، می‌تواند مفید باشد:

”این نسل با به عهده گرفتن مسئولیت‌های اداره امور اجتماع، با چشم‌اندازی از تضاد و تناقض حیرت‌زا مواجه خواهد شد. از طرفی، منطقه می‌تواند به حق به دستاوردهای درخشان در حیطه‌های فکری، فنی و اقتصادی مباحث نماید. از طرف دیگر، نتوانسته فقر گسترده را کاهش دهد یا از خیزش امواج دریای خشونت که امم و ملل منطقه را تهدید می‌کند و در خود غوطه‌ور می‌سازد، جلوگیری نماید. باید صریحاً سؤال کرد که چرا این جامعه با وجود ثروت عظیم خود از ازاله بی‌عدالتی‌هایی که تار و پود آن را از هم گسیخته می‌سازد، عاجز مانده است.

”همان طور که ده‌ها سال تاریخ مشحون از جنگ‌ها و منازعات به قدر کفایت شهادت می‌دهد، جواب به این سؤال را نمی‌توان در تمایلات شدید سیاسی، تجلیات متناقض منافع طبقاتی، یا دستورالعمل‌های فنی یافت. آنچه که لازم است عبارت از احیاء روحانی به عنوان پیش‌شرطی بر کاربرد موفقیت‌آمیز ابزارهای سیاسی، اقتصادی و فنی است. اما، نیازی به عامل شتاب دهنده وجود دارد. اطمینان داشته باشید که، علی‌رغم قلت تعدادتان، شما مجراهایی هستید که از طریق آن چنین عامل شتاب‌دهنده‌ای تأمین خواهد شد.“^{۵۴}

۱- در این پیام سؤال می‌شود که چرا جامعه‌ای با چنین ثروت فکری، فنی و اقتصادی نتوانسته بی‌عدالتی را که تار و پود جامعه را نابود می‌کند از بین ببرد، و خاطر نشان می‌سازد که جواب را نباید در تمایلات اقتصادی،

تجلیات متناقض منافع طبقاتی، یا دستورالعمل‌های فنی یافت. به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنید فکر کنید و مثالی از هر یک از موارد زیر ذکر نمایید:

الف- تمایلات سیاسی که تعیین‌کننده ویژگی جامعه است _____

ب- بعضی از تجلیات متناقض و متعارض منافع طبقاتی در جامعه: _____

ج- دستورالعملی فنی که جامعه تبعیت کرده باشد: _____

۲- بنا به بیان بیت‌العدل اعظم برای کاربرد موفقیت‌آمیز ابزارهای سیاسی، اقتصادی، و تکنولوژیکی در جامعه، چه چیزی مورد نیاز است؟ _____

۳- بنا به بیان بیت‌العدل اعظم برای احیاء روحانی جامعه به چه چیز نیاز است؟ _____

۴- بنا به بیان بیت‌العدل اعظم چه کسی مجرایی است که پیام حضرت بهاء‌الله را می‌توان از طریق آن جاری ساخت و به مقصد رساند؟ _____

۵- شرکت در اجرای نقشه ملکوتی چگونه جوانان را قادر می‌سازد که به عنوان مجرای جهت احیاء روحانی جامعه عمل کنند؟ _____

بخش هجدهم

تردیدی نیست که آخرین سؤال در بخش پیشین سبب شده که شما بیش از پیش در مورد نقش اساسی که جوانان باید در جهت ترقی و تقدّم امرالله ایفا کنند، فکر و تأمل کنید. در بیانی که از کتاب قرن بدیع نقل می‌شود، حضرت ولی امرالله تصویری از قهرمانان اولیه امرالله ترسیم می‌فرمایند، که اقدامات شجاعانه آنها باید بهائیان را در سراسر قرون و اعصار الهام بخشد. با توجه به این که بسیاری از آنها خودشان جوان بودند، بهتر است در مورد لغاتی که حضرت ولی امرالله برای توصیف خصائل برجسته آنها به کار برده‌اند، تفکر کنیم. قبل از این کار، مطالعه کامل واژه‌نامه زیر می‌تواند مفید باشد:

کوکب درّی = ستاره درخشان

مصائب = جمع مصیبت؛ بلا و ناراحتی

آلام = دردها و رنج‌ها

عالم ناسوت = دنیای جسمانی

طائف گشتن = دور چیزی گشتن

اعلاء = بلند کردن

مظلم = تاریک

اقمار = جمع قمر؛ ماه

اشاعه انوار = پخش کردن روشنی

نفحات سبحانیّه = بوهای خوش که منشأ الهی دارد

قدوة احرار و ابرار = پیشوای آزادگان و نیکوکاران

شقاوت = سنگدلی

تنزیه بحت = پاکی کامل

”محرک و بانی این نهضت قویم و رستاخیز عظیم حضرت باب‌الله الأعظم و ذکرالله الأکرم است که چون کوکب درّی از افق شیراز طالع گردید و آسمان مظلم ایران را از جنوب به شمال طی نمود و با تحمّل مصائب و آلام شدیده به سرعت و نورانیت حیرت‌انگیز از افق عالم ناسوت غروب فرمود. در ظلّ این

کوکب دوار حقائق مقدسه‌ای چون اقمار ظاهر شدند و در حول آن طلعت احدیه طائف گشتند و با بذل جان و مال در انتشار آثار و اشاعهٔ انوار قیام نمودند و به اعلاء کلمهٔ الهیه و نشر نفعات سبحانیه پرداختند.

”اما قهرمانان و جانبازانی که مراتب فداکاری و جانبازی آنان صفحات تاریخ امرالله را منور ساخته و به کمال شجاعت و شهامت در مقابل علماء دین و ارکان دولت و ملت پافشاری و مقاومت نمودند، عبارت بودند از حروف حی، مؤمنین برگزیدهٔ حضرت باب، و جمعی دیگر از قدوهٔ احرار و و ابرار که در قبال آن همه جهل و قساوت و سنگدلی و شقاوت و خدعه و نیرنگ، با روحی تابناک و همّتی بلند و عرفانی عمیق و بیانی بلیغ و فضیلت و تقوایی بی‌مثیل قیام نمودند و با انقطاع تام و تصمیم راسخ و نیت خالص و تقدیس صرف و تنزیه بحث و حسن رفتار و علؤ کردار و تعظیم و تکریم و فیر نسبت به مقام حضرت سیدالمرسلین و ائمهٔ طاهرین که موجب إعجاب و شگفتی هم‌وطنان ایشان می‌گردید به خدمت و اعلاء کلمهٔ ربّانیه مألوف گشتند.“^{۵۵}

۱- جملات زیر را تکمیل کنید:

الف - حروف حی و دیگران به انتشار آثار و _____ پرداختند.

ب - آنها در آن واحد در مقابل _____ و _____ و _____ مقاومت کردند.

ج- قهرمانان اولیهٔ امر در مقابل جهل و قساوت و سنگدلی و شقاوت و خدعه و نیرنگ با این صفات و خصائل قیام کردند:

روحی _____ و همّتی _____ و عرفانی _____ و بیانی _____ و فضیلت و تقوایی _____ و با انقطاع _____ و تصمیم _____ و نیت _____ و تقدیس _____ و تنزیه _____ و رفتار _____ و کردار _____ و فیر نسبت به مقام حضرت سیدالمرسلین و ائمهٔ طاهرین.

۲- قهرمانان اولیهٔ امر مبارک با چه هدفی به فداکاری و جانبازی که حضرت ولی امرالله توصیف فرموده‌اند، پرداختند؟

۳- آیا جوانان عصر فعلی، مانند پیشینیان خود، در زمینهٔ روحانی به فداکاری و جانبازی می‌پردازند؟

۴- آیا این مبارزه و جانبازی از چه لحاظ با فداکاری قهرمانان اولیهٔ امر مبارک شبیه است؟

۵- جوانان بهائی امروز چگونه می‌توانند تضمین نمایند که، مانند برادران و خواهرانشان در عصر رسولی، می‌توانند در این مبارزهٔ روحانی که به آن مبادرت ورزیده و به فداکاری پرداخته‌اند پیروز خواهند شد؟

بخش نوزدهم

در طی دوره‌های متوالی بحران و پیروزی، جوانان هر نسل طریقی را در پیش گرفته‌اند که مؤمنین اولیه (مطالع الانوار)، روشن ساختند و در خط مقدم فعالیت‌های امری باقی مانده و برای رساندن پیام حضرت بهاء‌الله به عالم انسانی اقدام کرده‌اند. بیت‌العدل اعظم می‌فرماید:

”از آغاز این امر مبارک یعنی از دوران اولیهٔ تاریخ بهائی، نسل جوان در ترویج و انتشار امرالله سهم به‌سزایی داشته و در این سبیل به خدمات فائده‌ناهل آمده است. حضرت باب روح‌الوجود له الفدا وقتی اظهار امر فرمودند، از سن مبارکشان بیش از بیست و پنج سال نمی‌گذشت. جمعی از حروف حی و تلامید آن حضرت نیز در مراحل اولیهٔ عمر سالک، حتی از نفس مظهر ظهور جوان تر بودند. حضرت مولی‌الوری در ایام اقامت در خاک عراق و عثمانی در عنفوان جوانی مسئولیت‌های عظیم در خدمت اب بزرگوار به عهده گرفتند و حضرت غصن اطهر برادر والاگهر حضرت عبداله‌بهاء در سن بیست و دو سالگی در سجن اعظم جان خود را لأجل "حیات عباد واتحاد من فی البلاد" فدا نمود. حضرت شوقی ربّانی، ولی محبوب امرالله، موقعی برای استقرار بر اریکهٔ ولایت امر دعوت شدند که در ربّعان شباب بودند و در دانشگاه آکسفورد به تحصیل اشتغال داشتند و به همین قرار عدهٔ کثیری از فارسان حضرت بهاء‌الله که در

طی جهاد ده ساله به تنفیذ تعالیم مبارکه قیام نمودند و نام جاودانی در صفحات تاریخ باقی گذاشته‌اند، جوان بودند.^{۵۶}

”چون به حادثه مؤلمه شیراز در تابستان گذشته نظر افکنیم، ملاحظه نماییم چگونه شش جوان مهذب آراسته از آفات عقیقه موقنه که ۱۸ الی ۲۵ سنه بیش از حیات جسمانی آنان نگذشته، دست غاصب غدار جسم لطیف آنان را بر سر دار آویخته و جان به جان آفرین سپرده‌اند. هر قدر دشمنان و عوانان به استنکار و استنکاف ما فی الضمیرشان تحریص و تشجیع نمودند، مؤثر نیفتاد؛ ذیل محبوب و معبود را آلوده نمودند و لسان به تبری عقیده و مقصود نگشودند. نظر به حوادث خطیره و ثبات و استقامت بی سابقه نونهالان و جوانان بهائی نمایم که معرض اعتراضات شدید و استفسارات عدیده واقع گشتند و به ناسزاگویی‌های علما و مدرّسین اعتنا نمودند و به علت تمسک و عقیده قلبیه از مدرسه اخراج شدند و با وجود محدودیت‌های هائله و عناد و مظالم وارده، قوا و امکانات فعّاله خود را در اختیار مراجع اداره جامعه در سراسر آن خطّه شاسعه گذاردند و به بذل همم و مساعی فائقه مؤید و موفق گشتند. بدایع خلوص و وفایشان را قلم از توصیف عاجز است و سطوت انقطاع و ایقانشان را لسان از نعمت و تعریف قاصر.“^{۵۷} ”بدون اغراق در هیچ نقطه دیگری در کره ارض قیمتی چنین عظیم برای ایمان از بهائیان مطالبه نشد و در هیچ جا اشتیاقی بیشتر از جوانان قهرمان بهائی ایران مشهود نگشت، و حاملان جام فدا نورانی‌تر از آنها مشاهده نگردید. لذا، آیا از شما، نوجوان و جوان که در چنین زمان استثنایی و شگرفی زندگی می‌کنید و شاهد و ناظر مثال‌ها و نمونه‌هایی چنین تکان دهنده از شهامت هم‌تایان ایرانی خود هستید و حرکتی چنین آزادانه انجام می‌دهید، منطقاً نمی‌توان انتظار داشت که "مثل اریاح" در میدان فعالیت امری حرکتی عظیم نمایم؟“^{۵۸}

فرصت تفکر در مورد وقایع چشمگیر و مهم در زندگی جوانان بهائی در اطراف و اکناف جهان می‌تواند به هر نسلی از جوانان در کسب حس رسالت کمک کند. در اوان کودکی از طریق داستان‌هایی که در کلاس‌های اطفال و در منزل بیان شده، پیوندهای نزدیک و محکمی با این نفوس برجسته برقرار شده، اما تلاشی سنجیده‌تر لازم تا در دوران نوجوانی و، البته، سراسر دوران جوانی به این نیاز پرداخته شود. مثال‌هایی که به دقت انتخاب شود، بعضی غم‌انگیز و بعضی از حزن و اندوهی کمتر برخوردار، می‌تواند خصلت‌هایی چون شهامت، عزم راسخ، اشتیاق و ایثاری را به نمایش گذارد که جوانان باید تلاش کنند از آن سرمشق بگیرند.

۱- از تاریخ اولیه امر مبارک یا دوران‌های نزدیک‌تر به ما، معدودی وقایعی را انتخاب کنید که به نظر شما جوانان باید بر آن تأمل و تفکر نمایند.

۲- دلایل خود را در مورد علت انتخاب این وقایع خاص بیان کنید.

بخش بیستم

حتی از نمونه‌های کوچکی از بیانات که در بالا نقل گردید، می‌توان مشاهده کرد که زندگی قهرمانان امر مبارک و نفوس شجاعی که از آنها تبعیت کردند با حس هدفمندی متمایز بود. به همان درجه مشهود است که هر یک از آنها باید از اهمیت لحظه تاریخی که در آن زندگی می‌کردند، و نیز بیش‌تر نسبت به عظمت تحوّل‌ی که عالم انسانی برای ایجاد آن فرا خوانده شده، برداشت و درکی داشته بوده باشند. این نکته نیز مشهود است که این حس هدفمندی در زندگی وقف شده به انتشار پیام الهی فرصت تجلّی یافت. اما، موقعی که درباره اعمال قهرمانانه‌ای که آنها انجام دادند، و فداکاری‌هایی که بسیاری از آنها به ظهور رساندند، تفکر می‌کنیم، نمی‌توانیم باور کنیم که این صفات و خصائل به تنهایی چنین وجودات مقدّسی را متمایز ساخته است. چه امری بیش از هر چیز دیگری تعیین‌کننده خصیصه زندگی آنها بود؟ چه شور و اشتیاقی وجود آنها را در بر گرفته بود، و چه محرکی آنها را به سوی مدارج عالیّه خدمت ایثارگرانه سوق می‌داد؟ آیا شعله محبت الهی نبود که در قلوب آنها به اشدّ نورانیت فروزان و مشتعل بود؟ آیا مست و مخمور جمال محبوب و طلعت معبود نبودند؟ اگر در نسل بعدی جوانان انجذاب به جمال و کمال را پرورش ندهیم و به آنها کمک نکنیم که رابطه‌ای محکم و نزدیک با خالق خود ایجاد کنند، آیا هرگز می‌توانیم امیدوار باشیم که در توان‌دهی روحانی آنها مؤثر باشیم؟ این بخش از کتاب را با غوطه‌ور شدن در بیانات مبارکه زیر به پایان می‌بریم:

”زیرا که عاشق صادق و حبیب موافق چون به لقای محبوب و معشوق رسد از پرتو جمال محبوب و آتش قلب حبیب ناری مشتعل شود و جمیع سرادقات و حجابات را بسوزاند بلکه آنچه با اوست حتی مغز و پوست محترق گردد و جز دوست چیزی نماند.“^{۵۹}

”ای دوستان به جمال فانی از جمال باقی مگذرید و به خاکدان ترابی دل مبنید.“^{۶۰}

”إِعْلَمَ أَنَّ الْعَالِمَ مَنْ اعْتَرَفَ بظهوری و شَرِبَ مِنْ بحر علمی و طار فی هواء حُبِّی و نبذ ما سوائی و اخذ ما نُزِّلَ مِنْ ملکوتِ بیانی البدیع. إِنَّه بمنزلة البصر للبشر و روح الحيوان لجسد الإمكان تعالی الرحمن الذی عرفه و أقامه علی خدمة امره العزيز العظيم. یصلی علیه الملائة الأعلی و أهل سُرَادِقِ الکبریاء و الذین شربوا ریحی المختوم باسمی القوی القدير.“^{۶۱}

”ای حزب الله هر نفسی را مشاهده کنید که توجه تام به امر الله دارد و مقصد محصور در نفوذ کلمه الله، شب و روز به نیت خالصه خدمت امر می نماید و ابداً در روش و سلوک رائقه خودخواهی و اثری از غرض شخصی نیست، بلکه سرگشته بیابان محبت الله است و سرمست باده معرفت الله و منهک در نشر نفحات الله و منجذب به آیات ملکوت الله، یقین بدانید که موفق ملکوتی شود و مؤید آسمانی گردد و مانند ستاره صبحگاهی از افق موهبت ابدی به نهایت نورانیت درخشانده و تابنده خواهد شد و اگر به شائبه هوی و هوس و خودپرستی مشوب، یقین است که مساعی عاقبت بی نتیجه ماند و محروم و مأیوس گردد.“^{۶۲}

”یقین بدان که ید عنایت الهی تو را به عرش ملکوت منجذب ساخته و بشارات الهیه چنین مسرت و ابتهاجی در تو انگیزته که پرده و نقاب از وجه جمال الهی برداشتی و جمال نورانی را به دیده بصیرت مشاهده نمودی و بر اسرار تنزیه و تقدیس این امر سبحانی وقوف تام یافتی. حال، با قلبی مشحون از محبت الله، در کمال مسرت سجده به ساحت حق کن و ذات الوهیت را شکرانه نما که این هدایت و این موهبت را به تو ارزانی داشت. و بدان که چون در سبیل حق قدم محکم نمودی، فی الحقیقه طلائع مواهب پروردگارت از جمیع جهات احاطه نماید.“^{۶۳}

”هوالله پروردگار مهربانایان سرگشته کوی تواند و دل بسته روی تو؛ مشتاق دیدارند و گرفتار حسرت و حرقت بی حد و شمار؛ سوی تو پویند، روی تو جویند، راز تو گویند. تأیید فرما، توفیق بخش تا در

عبودیت استقامت نمایند و به خدمت پردازند؛ محفل انس بیارایند و در ظلّ عنایت بیاسایند و به قربان
گاه عشق بیایند و روی و موی به خون خویش بیالایند. ای دلبر آسمانی یاران شایان عنایت و مهربانی و تو
دانی و آنچه خواهی می‌نمایی. عون تویی؛ صون تویی؛ بخشندهٔ دو کون تویی. أنت التّواب الرّحیم.
ع“،۶

مراجع

- ^۱ اخلاق بهائی، ص ۲۳۷ / مجموعه جوانان، قبل از فهرست
- ^۲ "هو الله"، ج ۲، ص ۹
- ^۳ مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۱۰
- ^۴ مجموعه "هو الله"، ج ۲، ص ۸
- ^۵ مجموعه جوانان، دو صفحه قبل از فهرست / پیام رضوان ۱۹۸۲ [۱۳۹ بدیع]
- ^۶ ترجمه - مکتوب اول سپتامبر ۱۹۳۳ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احبّاء / *Compilation of Compilations*، ج ۲، ش ۱۹۴۰ و ۲۲۵۸
- ^۷ مجموعه جوانان، ص ۱۳
- ^۸ پیام ۸ مه ۱۹۸۵ بیت العدل اعظم خطاب به جوانان بهائی عالم مندرج در *Messages 1963-1986* صفحه ۶۶۷
- ^۹ ترجمه - مکتوب ۸ اوت ۱۹۵۷ مندرج در ص ۴۳۹ ج ۲ *Compilation*
- ^{۱۰} ترجمه - مکتوب ۲۸ دسامبر ۱۹۲۵ / *Compilation*، ج ۲، ص ۴۱۷
- ^{۱۱} مجموعه جوانان، ص ۲۱
- ^{۱۲} ترجمه - مکتوب ۲۳ فوریه ۱۹۹۵ که از طرف بیت العدل اعظم به محافل روحانی ملّی که نمایندگانشان در دومین اجتماع بهائی، در آسه آن [انجمن ملل آسیای جنوب شرقی] جمع بودند، نوشته شده است
- ^{۱۳} ترجمه - پیام مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۸ از طرف بیت العدل اعظم به محفل روحانی ملّی بهائیان سنگاپور
- ^{۱۴} ظهور عدل الهی، ص ۳۶
- ^{۱۵} منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، طبع اول، ص ۱۳ / طبع ثانی، ص ۲
- ^{۱۶} منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، طبع اول، ص ۱۴۰ / طبع ثانی، ص ۸۴
- ^{۱۷} لثالی حکمت، ج ۳، ص ۳۷۴ / منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، طبع اول، ص ۱۹۱ / طبع ثانی، ص ۱۱۷ / حیات بهائی، ص ۲۱ / مائده، ج ۸، ص ۹
- ^{۱۸} ترجمه - بیان مورخ ۸ دسامبر ۱۹۲۳ حضرت ولی امرالله (به فارسی) خطاب به احبّای بمبئی مندرج در *Compilation of Compilations*، ج ۲، ص ۶۲ (فقره ۱۶۲)؛ ج ۲، ص ۳۴۵ (فقره ۲۰۷۵)
- ^{۱۹} ترجمه - بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در *Abdu'l-Baha in London*، ص ۶۶
- ^{۲۰} بیان حضرت بهاءالله؛ مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۶۸ / منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، طبع اول، ص ۵۳ / طبع ثانی، ص ۲۸
- ^{۲۱} ترجمه - بیان حضرت بهاءالله (اصل بیان فارسی است)؛ *Compilation of Compilations*، ج ۲، ص ۳۳۲ (فقره ۲۰۳۲)
- ^{۲۲} رسالهٔ مدنیّه، طبع ۱۳۲۹ هجری، ص ۴ / طبع ۱۳۸۴ شمسی (۱۶۲ بدیع)، ص ۱۴
- ^{۲۳} رسالهٔ مدنیّه، طبع ۱۳۲۹ هجری، ص ۵ / طبع ۱۳۸۴ شمسی (۱۶۲ بدیع)، ص ۱۴
- ^{۲۴} لوح دنیا؛ مجموعه الواح ص ۲۸۸ / دریای دانش، ص ۸۷ / مجموعه الواح نازله بعد از کتاب اقدس، ص ۴۸

- ۲۵ مجموعه اشراقات، ص ۱۳۷ / منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، طبع اول، ص ۱۷۴ / طبع ثانی، ص ۱۰۷
- ۲۶ اشراقات، ص ۱۳۳ / منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، طبع اول، ص ۱۸۴ / طبع ثانی، ص ۱۱۳ / لوح شیخ، ص ۱۰
- ۲۷ بیان حضرت بهاء الله منقول در ظهور عدل الهی، ص ۶-۶۵
- ۲۸ کتاب مبین، ص ۱۵۳ / مانده آسمانی، ج ۴، ص ۱۶۸ / منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، طبع اول، ص ۸۳ / طبع ثانی، ص ۴۷
- ۲۹ ظهور عدل الهی، ص ۵۱
- ۳۰ ظهور عدل الهی، ص ۵۱
- ۳۱ ترجمه *Tablets of 'Abdu'l-Baha*، ج ۲، ص ۴۳۶
- ۳۲ کتاب مبین، ص ۴۰۳؛ منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، طبع اول، ص ۲۰۰ / طبع ثانی، ص ۱۲۳
- ۳۳ کتاب مستطاب اقدس، بند ۱۸۱
- ۳۴ مفاوضات عبدالبهاء، ص ۳۰
- ۳۵ خطابه ۱۷ نوامبر ۱۹۱۲ / نقل ترجمه از صفحه ۱۰۳ نظم جهانی بهائی (با اندکی تغییر)
- ۳۶ ترجمه خطابه ۲۹ اگست ۱۹۱۲
- ۳۷ کلمات مکنونه فارسی، فقره ۶
- ۳۸ الواح مبارکه وصایا، ایام تسعه، ص ۴۶۹
- ۳۹ کلمات مکنونه فارسی، فقره ۴۸
- ۴۰ منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۴ (فقره ۱۰)
- ۴۱ بیانات حضرت اعلی خطاب به حروف حی مندرج در مطالع الأنوار، ص ۸۰
- ۴۲ الواح مبارکه وصایا، ایام تسعه، ص ۴۷۰
- ۴۳ خطابات مبارکه، ج ۱، ص ۱۷۸
- ۴۴ خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۲۲۹
- ۴۵ منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۲۹ (فقره ۱۰۵)
- ۴۶ ترجمه - مکتوب ۱۷ فوریه ۱۹۳۳ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء / *Compilation*، ج ۱، ص ۸۴
- ۴۷ حصن حصین شریعت الله، ص ۸۰
- ۴۸ توفیق مبارک نوروز ۱۱۲ بدیع؛ نقل ترجمه از صفحه ۲۰۲ توفیعات مبارکه، اکتبر ۱۹۵۲ - اکتبر ۱۹۵۷
- ۴۹ ترجمه - توفیق مبارک چهارم مه ۱۹۵۳ مندرج در صفحه ۱۵۵ *Messages to the Baha'i World 1950-1957*
- ۵۰ ظهور عدل الهی، ص ۹۴
- ۵۱ مأخذ بالا، ص ۹۸
- ۵۲ ترجمه - پیام مورخ سوم ژانویه ۱۹۹۶ بیت العدل اعظم خطاب به یاران مجتمع در کنفرانس بین المللی جوانان در سانتا کروز، بولیوی
- ۵۳ ترجمه - پیام مورخ ۲۲ دسامبر ۲۰۰۱ بیت العدل اعظم خطاب به یاران مجتمع در کنفرانس جوانان آسه آن در تایلند
- ۵۴ پیام مورخ ۸ ژانویه ۲۰۰۰ بیت العدل اعظم خطاب به یاران مجتمع در کنگره جوانان در پاراگوئه
- ۵۵ قرن بدیع، صفحات ۴۰ و ۴۲

- ^{۵۶} پیام ۱۰ ژوئن ۱۹۶۶ بیت العدل اعظم خطاب به جوانان بهائی / نقل ترجمه از صفحه ۳۵ مجموعه جوانان
- ^{۵۷} نقل ترجمه تا اینجا از مجموعه جوانان صفحه ۳۶
- ^{۵۸} ترجمه - پیام ۱۰ ژوئن ۱۹۶۶ بیت العدل اعظم خطاب به جوانان بهائی جهان
- ^{۵۹} هفت وادی؛ آثار قلم اعلی، ج ۳، ص ۱۲۹
- ^{۶۰} کلمات مکنونه فارسی، فقره ۱۴
- ^{۶۱} لوح برهان؛ آثار قلم اعلی، ج ۲، ص ۱۵۴
- ^{۶۲} مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۱۵۹
- ^{۶۳} ترجمه - بیان حضرت عبدالبهاء *Tablets of Abdu'l-Baha*، ج ۱، ص ۱۸۱
- ^{۶۴} مناجات مذکور در اصل انگلیسی یافت نشد؛ این مناجات از صفحه ۲۹۸ طبع ثانی مجموعه مناجاتهای چاپ آلمان نقل شد.